



جامعه یادگیرنده¹؛ ضرورت ها و الزامات

علی تاووسه

دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی-اقتصادنظری، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

alitavoseh.t1999@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز یادگیری به عنوان یکی از مهمترین عوامل پیشرفت و توسعه شناخته شده است با توجه به پیشرفت فناوری و تغییرات اجتماعی نیاز به جامعه یادگیرنده بیش از پیش احساس می شود. جامعه یادگیرنده به عنوان یک مفهوم نسبتاً جدید در حوزه آموزش و پرورش، در سال های اخیر به شدت گسترش یافته است. با توجه به تغییرات فناورانه و افزایش دسترسی به اینترنت، جامعه یادگیرنده به عنوان یک روش برای توسعه مهارت های فردی و حرفه ای به شدت مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله به بررسی رویکرد ها و مدل های یادگیری مورد استفاده در جامعه یادگیرنده پرداخته می شود. با توجه به نیازهای مختلف افراد در جامعه یادگیرنده، رویکرد ها و مدل های یادگیری متفاوتی برای آموزش و یادگیری وجود دارد. در این مقاله سعی شده است تا رویکرد ها و مدل های مختلف را با یکدیگر مقایسه کرده و نقاط قوت و ضعف آنها را بررسی کنیم. هدف پژوهش حاضر برای یافتن پاسخ به این سوال که جامعه یادگیرنده چه نوع جامعه ای است و تعیین ضرورت ها و الزامات آن انجام شده است. روش پژوهش، تحقیق توسعه ای است و منابع گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه ای و مطالعات کتاب های جامعه یادگیرنده می باشد که بر اساس آن ها مدل های گوناگونی در دنیا برای جوامع یادگیرنده وجود دارد. با توجه به این که هر کشوری باید مدل متناسب با شرایط خود را برای جامعه یادگیرنده طراحی کند در مقاله حاضر مدلی مفهومی برای جامعه یادگیرنده کشورمان ارائه می دهیم. یافته های پژوهش گویای آن است که جامعه یادگیرنده نیازمند زیرساخت های مختلفی است که از جمله آن ها می توان به فرهنگ یادگیری تکنولوژی آموزش و پرورش و تحقیق و توسعه اشاره کرد. همچنین الزاماتی مانند تسهیل دسترسی به منابع آموزشی، ترویج یادگیری مداوم، و ایجاد فرصت های یادگیری در محیط های کاری نیز برای جامعه یادگیرنده حائز اهمیت است. جامعه یادگیرنده ایرانی فرصت های یادگیری در سراسر دوران زندگی را فراهم می کند تا هر فرد، برای دستیابی به نتایج مورد علاقه خود و رشد توانمندی هایش به یادگیری بپردازد؛ به علاوه، در جامعه اثر گذار بوده، در توسعه آن مشارکت کند. این جامعه، فرصت های برابر یادگیری را توسعه می دهد تا عدالت اجتماعی برقرار شده، شهروندی فعال تشویق گردد و جامعه به انسجام اجتماعی در هدف نهایی؛ یعنی تعبد و بندگی خداوند، دست یابد. این جامعه با روش های مختلف انگیزه یادگیری توانایی خود رهبری در یادگیری و یادگرفتن چگونه یادگرفتن را در افراد پرورش می دهد. میان بخش های مختلف آموزش رسمی آن ارتباط درونی وجود دارد و آموزش های غیررسمی و یادگیری اتفاقی یا لحظه ای نیز توسعه داده می شود چنین جامعه ای فرصت های یادگیری را فراهم می کند تا افراد و جامعه از بازده های اقتصادی یادگیری بهره مند شوند و توسعه اقتصادی محقق شود.

واژه های کلیدی: جامعه یادگیرنده، شناخت گرایی، رفتارگرایی، فرصت های یادگیری

مقدمه و بیان مسئله

ایده جامعه یادگیرنده که امروزه در بسیاری از سازمان ها از آن استفاده می شود، بر روی جامعه یادگیرنده حرفه ای (PLC²) تمرکز دارد. با توجه به اینکه یادگیری می تواند به عنوان تمرکز اصلی فعالیت های مؤسسات آموزشی دیده شود، بنابراین مدرسه، مناسب ترین جامعه یادگیرنده حرفه ای است. جامعه یادگیرنده حرفه ای به عنوان ظرفیتی برای ارتقای یادگیری دانش آموزان و معلمان در نظر گرفته می شود (دی موک³، 2012، ص 121).



کروز⁴ درباره جامعه یادگیرنده حرفه‌ای، هفت بُعد اصلی تعیین کرده که شامل این موارد می‌شود: 1. ارزش‌ها و دیدگاه‌های مشترک؛ 2. مسئولیت جمعی؛ 3. همکاری و مشارکت؛ 4. تشویق یادگیری گروهی؛ 5. پژوهش حرفه‌ای اندیشمندانه همانند یادگیری فردی؛ 6. اعتماد، احترام و حمایت متقابل در میان کارکنان؛ 7. پذیرش در جمع و تیم. با استفاده از این ابعاد در مدرسه، آن‌ها به جامعه یادگیرنده تبدیل می‌شوند (کروز و همکاران، ۱۹۹۵)

سرجیوانی⁵ جامعه را به‌عنوان مجموعه‌ای از افرادی که با اراده طبیعی گرد هم آمده‌اند و ایده‌ها و آرمان‌های خود را با هم به اشتراک گذاشته‌اند تعریف می‌کند. بر اساس تعریف او، مدارس هم جوامعی هستند که افراد در آن به تسهیم و به اشتراک‌گذاری ایده‌ها و ارزش‌هایشان می‌پردازند و از این طریق، مدارس فرهنگ رشد و تغییر را توسعه می‌دهند. (سرجیوانی، ۱۹۹۴).

فولان⁶ بیان کرده است، اگر مدرسه‌ها خواستار شکل‌گیری جامعه یادگیرنده حرفه‌ای هستند، باید سه نوع ظرفیت را در خود ایجاد کنند: 1. ظرفیت‌سازی فردی؛ 2. ظرفیت‌سازی بین فردی؛ 3. ظرفیت‌سازی سازمانی (فولان، ۲۰۰۱).

هورد⁷ جامعه یادگیرنده حرفه‌ای را با ویژگی‌هایی نظیر: رهبری حمایتی و توزیعی، چشم‌انداز و ارزش‌های مشترک، یادگیری جمعی، نتایج اقدام شخصی به اشتراک گذاشته شده، شرایط، ارتباطات و ساختارهای حمایتی تبیین کرده است (هورد، ۱۹۹۷).

انسان موجودی آرمان‌گراست و به گواه تاریخ هیچ‌گاه انسان از اندیشه زیستن در شرایط بهتر فارغ نبوده است. او برای یافتن آینده‌ای، بهتر آرمان شهری را تصور کرده و سپس زندگی خود را به گونه‌ای انتخاب نموده که به آن آرمان متصور برسد (مسعودی، ۱۳۹۰).

ایده پردازی برای جامعه مطلوب و تلاش برای بسترسازی تحقق آن همواره رواج داشته اما در اواخر قرن بیستم، تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فناوری بسیاری بر اثر جهانی شدن پدیدار شد (مورگان⁸ و همکاران، ۲۰۰۷).

با نگاه به این شرایط، متفکران تذکر داده‌اند که اگر جوامع بخواهند از فرصت‌های ناشی از تحولات به نفع خود سود جویند و از عهده چالش‌های احتمالی، برآیند باید به استقبال آینده روند، جامعه آینده مطلوب خود را پیش بینی کرده و برای رسیدن به آن بستر سازی کنند (جارویس⁹، ۲۰۰۸).

اکثر این متفکران تشکیل جامعه یادگیری را پیشنهاد نموده‌اند زیرا اگر به مردم فرصت‌هایی برای پرداختن به یادگیری در سراسر دوران زندگی داده شود و آن‌ها یادگیرنده مادام‌العمر، باشند، می‌توانند از عهده چالش‌های ذکر شده برآیند (ادواردز¹⁰، ۲۰۰۲).

یادگیری مفهومی گسترده دارد که همه‌ی انسان‌ها را در همه‌ی زمان‌ها و شرایط شامل می‌شود، یادگیری حرکت جهانی در کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه برای تغییر ساختار آموزشی، با دگرگونی جوامع از جوامع سنتی به جوامع یادگیرنده و بهره‌گیری از شرایط نوین ارتباطی پدیده آمده است.

با توجه به تغییرات سریع در جامعه و فناوری نیاز به تحول و تغییر در جامعه یادگیرنده در دوره‌های زمانی مختلف احساس می‌شود. جامعه یادگیرنده باید با تغییرات فناوری و تحولات اجتماعی همگام شود تا بتواند نیازهای جامعه را برآورده کند.

برای اثبات اهمیت یادگیری، به آیات و روایات زیادی می‌توان استناد کرد از جمله: بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان اند؟ (زمر- 9) پیامبر گرامی اسلام (ص) هم به کسب علم تأکید فراوانی دارند: «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و «یادگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است». با تعالیمی از این دست، می‌توان دریافت که چگونه و چرا مسلمانان به سرچشمه‌ی بسیاری از علوم دست یافتند. اما وضعیت یادگیری در جامعه‌ی امروز چگونه است؟ محققان و صاحب‌نظران کشورهای مختلف برای پاسخ به این سؤال که مفهوم جامعه یادگیرنده چیست؟ و جامعه یادگیرنده دارای چه ویژگی‌هایی است؟ و راهکارهای تحقق این جامعه چیست؟، به تبیین مفهوم آن پرداخته و برای آن مدل‌های مفهومی و نظری ارائه نموده‌اند. بدیهی است ارائه مدل واحدی که برای همه کشورهای الگوی مناسبی باشد امکان‌پذیر نیست. هر کشور باید مدل متناسب با شرایط خود را طراحی کند (یونسکو ۱۳۸۸). با توجه به این، ضرورت سؤال پژوهش حاضر این است که جامعه یادگیرنده چه نوع جامعه‌ای است؟ جهت پاسخ به این سؤال ابتدا دیدگاه‌های صاحب‌نظران سایر کشورها درباره پاسخ پرسش‌های فوق بررسی و در ادامه نظر اندیشمندان ایرانی تحلیل می‌گردد. سپس، مدلی مفهومی برای جامعه یادگیری ایرانی متناسب با شرایط کشورمان ارائه خواهد شد. بر این اساس فرضیه اصلی پژوهش حاضر، به شرح زیر ارائه می‌شود:

تعیین ضرورت‌ها و الزمات جامعه یادگیرنده در کشور ایران می‌باشد.



مبانی نظری

مفهوم جامعه یادگیری

جامعه یادگیرنده به معنای جامعه ای است که به صورت فعال در فرآیند یادگیری شرکت می کند و از طریق آن توسعه فردی و اجتماعی را تسهیل می کند. اگرچه ایده جامعه، یادگیری اغلب مفهوم ساده ای به نظر می رسد اما با کمی تأمل و مرور متون تخصصی مربوط به این موضوع می توان دریافت این ایده مفهوم پیچیده ای دارد که برای درک صحیح آن لازم است ابتدا، واژه های جامعه و یادگیری معنا شود. جامعه طبق تعریف لغت نامه دهخدا عبارت است از: «گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف مخصوص تحت قواعد معین گرد هم شده اند» (ص ۶۴۹۰) بر اساس این تعریف جامعه می تواند از یک گروه دو نفره تا مجموعه همه افراد بشر را که بر روی کره زمین زندگی می کنند، در بر گیرد. بنابراین، جامعه یادگیری می تواند دامنه محدودی از افراد درون یک گروه کوچک در مؤسسه آموزشی تا جامعه یادگیری جهانی را شامل شود. این تعریف، موجب طرح ایده سازمان یادگیری¹¹، شهر یادگیری¹²، شبکه یادگیری¹³، جامعه محلی یادگیری¹⁴ و جامعه یادگیری جهانی¹⁵ شده است (جارویس، ۲۰۰۸) در اکثر مباحث، محققان و سیاست گذاران منظور از جامعه یادگیری را جامعه در مفهوم ملی آن می دانند که متشکل از افرادی است که درون مرزهای جغرافیایی یک کشور زندگی می کنند و به یادگیری خود در سراسر دوران زندگی ادامه می دهند. طی قرن گذشته، یادگیری در قلمرو رفتارگرایی¹⁶، شناخت گرایی¹⁷، تداعی گرایی¹⁸ و ساختارگرایی¹⁹ مطالعه شده است. همه این نظریه ها، یادگیری را پدیده ای می بینند که موجب توسعه فردی می شود (پیترز²⁰، ۲۰۰۹). اما در بحث پیرامون جامعه یادگیری، ماهیت مادام العمر بودن یادگیری در قلمرو زندگی اجتماعی مد نظر است نظریه پردازان معتقدند برای درک مفهوم یادگیری مادام العمر مورد نظر در ایده جامعه یادگیری باید به این سؤال پاسخ داد که چرا افراد باید یاد بگیرند؟ و چرا جامعه باید فرصت های یادگیری را تدارک ببیند؟ پاسخ به این سؤال ها مستلزم توجه به نتایج یا پیامدهای یادگیری است (تاومی²¹، ۲۰۰۵)، زیرا تاکید بر هر کدام از نتایج، خط مشی ها، فعالیت ها و روش هایی را که هر جامعه برای توسعه فرصت های یادگیری به کار می گیرد تحت تأثیر قرار می دهد و به سوی هدفی ویژه هدایت می کند. از این رو، در ادامه این نتایج و اهداف بررسی می شود:

الف) یادگیری مادام العمر و توسعه انسانی (فردی)

بسیاری از متفکران یادگیری را کارکرد اساسی و فطری انسان می دانند که در سراسر دوران زندگی ادامه می یابد. بنابراین، یادگیری مادام العمر به معنای فراهم کردن شرایط یادگیری است تا هر چه بیشتر توانایی های بالقوه انسان رشد یافته شایستگی های جدیدی را برای درک جهان پیرامون کسب کند (احمد²²، ۲۰۰۲). یادگیری باید به انسان ها کمک کند تا در شأن و مقام انسان بودن زندگی و کار کنند و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند (ایوان²³، ۲۰۰۲). به دنبال این نتایج، فردی، توانایی افراد برای شهروندی فعال و ایجاد خانواده و جامعه سالم ارتقا می یابد (استرین²⁴، ۲۰۰۰).

ب) یادگیری مادام العمر و توسعه اجتماعی

افزایش یادگیری امری آگاهانه است که از طریق تعامل با دیگران نه در انزوا و تنهایی به دست می آید (ویلکینز²⁵، ۲۰۰۰). هر فرد نه تنها از طریق بودن با دیگران و عضویت به عنوان شهروند در جامعه می تواند هویت و عمل خود را توسعه دهد، بلکه وابستگی درونی توأم با همکاری آن ها، می تواند هویت جمعی جامعه را شکل دهد (رامزدن²⁶، ۲۰۰۲). جامعه یادگیری باید فرصت هایی را فراهم کند تا از طریق آنها افراد سرمایه اجتماعی لازم برای زندگی را به دست آورند آن ها یاد بگیرند

Learning organization¹¹
Learning city¹²
Learning networks¹³
Community learning¹⁴
Global learning society¹⁵
Behaviorism¹⁶
Cognitivism¹⁷
Connectionism¹⁸
Constructivism¹⁹
Peters²⁰
Tuomi²¹
Ahmed²²
Eyvan²³
Strain²⁴
Wilkins²⁵
Ramsden²⁶



چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و علی رغم اختلاف نظرهایشان درباره ارزش‌های اجتماعی به یکدیگر احترام بگذارند، عقاید خود را زیر سؤال ببرند، کمتر موضع دفاعی گیرند و ریسک‌پذیری بیشتری داشته باشند (دان 27، 2000).

ج) یادگیری مادام‌العمر و توسعه اقتصادی

اغلب صاحب‌نظران، دولت‌ها و سیاست‌گذاران در بحث درباره یادگیری مادام‌العمر، به آثار اقتصادی یادگیری توجه دارند. آن‌ها این اصل را پذیرفته‌اند که یادگیری برای فرد هنگامی ارزش بالایی دارد که به کسب شغل یا حفظ وضعیت استخدامی کمک کند به علاوه، یادگیری برای جامعه ارزشمند است زیرا مهم‌ترین عامل برای تولید و افزایش سرمایه انسانی است و امکان توسعه اقتصادی و رقابت در بازارهای جهانی را مهیا می‌سازد (بانک جهانی، 1387). فرض اساسی آن است که با تغییر سریع در دانش و فناوری ارزش مهارت‌های شغلی در طول زمان به سرعت کاسته می‌شود و مهم‌ترین راهکار برای توسعه و به روز نگه داشتن آن‌ها فراهم کردن فرصت‌های یادگیری برای نیروی انسانی شاغل و بیکار است (رست و خسروانی، 1385). در مجموع میان متخصصان و نظریه‌پردازان درباره هدف مستتر در ایده یادگیری مادام‌العمر در جامعه یادگیری اختلاف نظر وجود دارد. مادسون و مادسون²⁸ (2000)، بوشیر²⁹ (2000)، تایجنمن و بوستر³⁰ (2002)، جارویس (2008) و گریفین³¹ (2009) معتقدند در شرایط کنونی جوامع بشری، تأکید بر بعد اقتصادی یادگیری مادام‌العمر ایده‌ای محدود و تنگ‌نظرانه است. چنین جامعه یادگیری نمی‌تواند وجود واقعی پیدا کند، مگر آن‌که تحولی از آموزش به یادگیری به وجود آید و بر یادگیری به عنوان فرآیندی فعال که توسط یادگیرنده هدایت می‌شود و خود انگیزشی، خود مختاری و اعتماد به نفس از اجزای بارز آن است تأکید شود. این تعریف نیازمند توجه به دو واقعیت است: اول آنکه یادگیری مادام‌العمر شامل یادگیری رسمی، غیر رسمی و اتفاقی است (کناپر و کروپلی³²، 2000). دوم آنکه یادگیری در سراسر دوران زندگی بر سه پایه طول زندگی، عرض زندگی و انگیزش برای یادگیری قرار دارد تأکید بر طول زندگی به معنی است که یادگیری از دوره پیش دبستانی و قبل از آن تا آموزش پس از آموزش اجباری، به ویژه آموزش بزرگسالان و آموزش عالی ادامه دارد. منظور از این که یادگیری در عرض زندگی روی می‌دهد، آن است که یادگیری نه تنها در مدرسه کالج و دانشگاه، بلکه در بسیاری از مکان‌های گوناگون روی داده تمام شکل‌ها و انواع آموزش بخشی از یک مسیر یادگیری واحد محسوب می‌شود افزون بر این اساس مفهوم یادگیری مادام‌العمر با تحریک انگیزش فرد برای درگیر شدن در یادگیری، در هم آمیخته است (اسکواتز و اسلوی³³، 2000). طبق نظر بعضی از صاحب‌نظران این مفهوم وسیع از یادگیری و یادگیری مادام‌العمر محور اصلی جامعه یادگیری است (بیرما³⁴، 2006) و همان‌طور که در گزارش پژوهش (واترستون³⁵، 2005) آمده، موجب ظهور جامعه یادگیری می‌شود که ویژگی بارز آن این است که:

این جامعه از تدارک آموزش و حرفه‌آموزی برای افرادی که به آن نیاز دارند فراتر می‌رود و به جای آن، یک محیط انسانی پرشور و توأم با مشارکت و آگاه از لحاظ فرهنگی و پررونق از لحاظ اقتصادی را از طریق تدارک، توزیع و اشاعه فعال فرصت‌های یادگیری به منظور پرورش استعداد تمام شهروندانش ایجاد می‌کند. چنین جامعه‌ای، دارای یک سیستم یادگیری مادام‌العمر خواهد بود که در آن مدارس و دانشگاه‌ها، سازمان‌های یادگیرنده‌ای هستند که به تولید، اشاعه انتقال دانش و تغییر رفتار می‌پردازند و برای ارائه چشم‌اندازهای جدید فعالیت می‌کنند.

در این جامعه افراد برای یادگیری در موقعیت‌های گوناگون تشویق می‌شوند تا توسعه فردی انجام اجتماعی و شهروندی فعال تحقق یابد بر اثر مشارکت فعال و موثر افراد در عرصه تولید توأم با نوآوری، رشد اقتصادی خواهد یافت (پینترز 2009). اکنون کشورهای توسعه‌یافته که دارای موضع اقتصادی هستند، نیز این مفهوم را پذیرفته‌اند (مادسون، مادسون، 2000).

جامعه یادگیرنده ضرورت‌ها و الزامات

در دنیای امروز یادگیری به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و توسعه شناخته شده است. با توجه به پیشرفت فناوری و تغییرات اجتماعی، نیاز به جامعه یادگیرنده بیش از پیش احساس می‌شود جامعه یادگیرنده به معنای جامعه‌ای است که به صورت فعال در فرآیند یادگیری شرکت می‌کند و از طریق آن توسعه فردی و اجتماعی را تسهیل می‌کند.

Dunn²⁷
Matheson and Matheson²⁸
Boshier²⁹
Taijenman and Bostrom³⁰
Griffin³¹
Knapper and Croply³²
Schuetze and Slowey³³
Bierema³⁴
Watterston³⁵



جامعه یادگیرنده نیازمند زیرساخت‌های مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان به فرهنگ، یادگیری تکنولوژی آموزش و پرورش و تحقیق و توسعه اشاره کرد. همچنین الزاماتی مانند تسهیل دسترسی به منابع آموزشی ترویج یادگیری مداوم و ایجاد فرصت‌های یادگیری در محیط‌های کاری نیز برای جامعه یادگیرنده حائز اهمیت است.

به طور کلی جامعه یادگیرنده به عنوان یکی از مفاهیم مهم در آموزش و پرورش نیازها و الزامات خاص خود را دارد که در این مقاله به بررسی این نیازها و الزامات به همراه راهکارهایی برای بهبود آنها پرداخته خواهد شد.

نیازهای جامعه یادگیرنده

دسترسی آسان به منابع آموزشی و تحصیلی
تنوع در روش‌های آموزشی و ارزیابی دانش آموزان
توجه به نیازهای خاص دانش آموزان با توجه به وضعیت جسمی و ذهنی آن‌ها

الزامات جامعه یادگیرنده

توجه به توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش آموزان
توجه به توسعه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای دانش آموزان
توجه به توسعه مهارت‌های زندگی و کارآمدی دانش آموزان

راهکارهای بهبود جامعه یادگیرنده

توسعه منابع آموزشی و تحصیلی متنوع و با کیفیت
استفاده از روش‌های آموزشی متنوع و تنوع در ارزیابی دانش آموزان
توجه به نیازهای خاص دانش آموزان با توجه به وضعیت جسمی و ذهنی آن‌ها

دیدگاه‌ها و مدل‌های مطرح شده درباره جامعه یادگیری

از اواخر قرن بیستم دوره ای که ایده جامعه یادگیری اهمیت یافته و رواج پیدا کرد، دیدگاه‌های زیادی درباره آن ارائه شده است. بسیاری از صاحب‌نظران، مانند هاپینز (۱۹۶۸)، رانسون (۱۹۹۴) و (۱۹۹۸)، یونسکو (۱۹۷۲، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۵)، جارویس (۲۰۰۸) و چامبرز³⁶ (۲۰۱۰) با مطالعات تطبیقی پیمایشی و مرور متون تخصصی جامعه یادگیری را توصیف کرده اند به اعتقاد بسیاری از حامیان ایده جامعه، یادگیری یکی از واضح ترین توصیف‌ها، مدل جامعه یادگیری یونسکو³⁷ است که در اینجا به آن اشاره می‌شود. این سازمان دیدگاه خود را درباره جامعه یادگیری در گزارش یادگیری برای زیستن: دنیای آموزش امروز و فردا» به تفصیل توضیح داده است. فورد³⁸ و همکاران (۱۹۷۲) به بررسی بحران‌های آموزش رسمی پرداخته و ایده‌های جامعه یادگیری، یادگیری مادام‌العمر و آموزش مادام‌العمر را بهترین راه حل معرفی نموده‌اند. آن‌ها برای توصیف جامعه مورد نظر خود بیست اصل و توصیه را مطرح نموده‌اند که بوشیر (۲۰۰۰) این اصول را به چهار دسته تقسیم می‌کند آن‌ها عبارتند از: در هم تنیدن عمودی در هم تنیدن افقی، دموکراتیزه کردن و سرانجام دستیابی به جامعه یادگیری.

در هم تنیدن عمودی: در هم تنیدن عمودی به نظامی از آموزش اشاره دارد که زندگی شهروندان از گهواره تا گور را در بر می‌گیرد.

در هم تنیدن افقی: در هم تنیدن افقی عبارت از توسعه آموزش است تا در طیف گسترده ای از مکان‌های رسمی و غیر رسمی ارائه شود.

دموکراتیزه کردن: برای برقراری دموکراسی ساختار نظام آموزشی باید باز شود تا طیف گسترده ای از حق انتخاب را فراهم کند و هر فرد بتواند در هر دوره از زندگی الگوی آموزشی مناسب خود را انتخاب کند. مسؤلیت این تغییر برعهده دولت، کارفرمایان و سایر نهادها و متولیان آموزش است آنها علاوه بر گسترش دسترسی باید موانع آن را برطرف کنند تا فرصت‌های برابر و امکان مشارکت به وجود آید.

پیشرفت جامعه یادگیرنده

جامعه یادگیرنده به عنوان یک مفهوم نسبتاً جدید در حوزه آموزش و پرورش، در سال‌های اخیر به شدت گسترش یافته است. با توجه به تغییرات فناورانه و افزایش دسترسی به اینترنت، جامعه یادگیرنده به عنوان یک روش برای توسعه مهارت‌های فردی و حرفه‌ای به شدت مورد توجه قرار گرفته است همچنین با توجه به پیشرفت فناوری و افزایش دسترسی به اینترنت چندین نوآوری در حوزه جامعه یادگیرنده رخ داده است. برخی از این نوآوری‌ها شامل استفاده از فناوری‌های هوشمند پلتفرم‌های آموزشی آنلاین و سیستم‌های یادگیری خودکار هستند.

سیستم‌های یادگیری خودکار امکان یادگیری همزمان برای تعداد زیادی از افراد را فراهم می‌کنند این سیستم‌ها می‌توانند به صورت خودکار و بر اساس نیازهای هر فرد منابع آموزشی را ارائه کنند و فرایند یادگیری را بهبود بخشند.

Chambers³⁶

Unesco³⁷

Ford³⁸

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



به طور کلی استفاده از فناوری‌های هوشمند در جامعه یادگیرنده، امکاناتی را برای دسترسی به منابع آموزشی بیشتر و بهبود فرایند یادگیری فراهم می‌کند این فناوری‌ها شامل هوش مصنوعی، یادگیری عمیق و تحلیل داده‌ها هستند. این مقاله به بررسی ضرورت‌ها و الزامات جامعه یادگیرنده می‌پردازد و به معرفی نرم افزارهای خودکار یادگیری در تحصیلات و نحوه پیاده سازی در امور آموزشی می‌پردازد.

نرم افزارهای خودکار یادگیری

- ۱- کلاسرا: یک پلتفرم آموزشی آنلاین که از هوش مصنوعی برای شناسایی نیازهای هر دانشجو استفاده می‌کند و برنامه‌های آموزشی شخصی را ارائه می‌دهد.
- ۲- کورسرا: یک پلتفرم آموزشی آنلاین که بیش از 2000 دوره آموزشی رایگان و غیررایگان در حوزه‌های مختلف از جمله علوم داده، برنامه نویسی و موارد دیگر ارائه می‌دهد.
- ۳- ادوبی کانکت: یک پلتفرم آموزشی آنلاین که از هوش مصنوعی برای شناسایی نیازهای هر دانشجو استفاده می‌کند و برنامه‌های آموزشی شخصی را ارائه می‌دهد.

پیاده سازی در امور آموزشی

برای پیاده سازی این نرم افزارها در امور آموزشی می‌توان از روش‌هایی مانند اعمال برنامه‌های آموزشی شخصی، ارائه دادن محتوای آموزشی تعاملی و جذاب و استفاده از فناوری‌های دیگر مانند واقعیت مجازی و افزوده استفاده کرد.

جامعه یادگیری

جامعه یادگیری انجام توصیه‌های ذکر شده، به جامعه یادگیری منجر می‌شود که جامعه‌ای تحصیل کرده و دارای ویژگی‌های زیر است:

- ابزار یادگیری و آموزش به منظور پرورش خود برای هر شهروند تحت هر شرایطی که او بخواهد قابل دسترس است. هر شهروند نه تنها در برابر آموزش خود مسئول است، بلکه برای او یک اجبار و الزام محسوب می‌شود.
- اعضای جامعه برای لذت بردن از آموزش در طول و عرض زندگی تشویق و حمایت می‌شوند.
- نظام آموزشی رسمی و مقررات آن از ارزش بالایی برخوردار است و در آن فرصت‌های یادگیری رسمی به طور وسیع تدارک می‌شوند.
- مرزهای متداول آموزش گسترش می‌یابد و آموزش غیر رسمی و اتفاقی توسعه داده می‌شود تا فرصت‌های برابر برای تمام شهروندان فراهم گردد (بوشیر، ۲۰۰۰).

رویکرد یونسکو به جامعه یادگیری، در گزارش «یادگیری: گنج درون» دنبال شده است. در این گزارش بر توسعه فردی و اجتماعی از طریق فرایند یادگیری تأکید و بر توسعه اقتصادی ترجیح داده می‌شود. یونسکو (۱۳۷۶) برای توضیح جزئیات این جامعه چهار ستون یادگیری را معرفی می‌کند که عبارتند از: یادگیری چگونه دانستن یادگیری چگونه انجام دادن، یادگیری زندگی با دیگران و یادگیری چگونه بودن (یونسکو، ۱۳۷۶). یونسکو (۱۳۸۸) در گزارش جهانی «به سوی جامعه دانش» که در سال ۲۰۰۵ منتشر کرده، همین دیدگاه از جامعه یادگیری را تکرار، نموده آن را مسیری میدانند که کشورها را به سوی جامعه دانش و توسعه دانش محور هدایت می‌کند.

با مرور دیدگاه‌های مختلف درباره جامعه یادگیری بعضی از اندیشمندان آنها را دسته بندی کرده و مدل‌های جامعه یادگیری نامیده اند ادواردز (۱۹۹۷) در کتاب مکان‌های در حال تغییر دیدگاه‌ها را براساس بنیان فلسفی شان به سه مدل جامعه یادگیری به عنوان جامعه تحصیل کرده، جامعه یادگیری به عنوان بازار یادگیری، و جامعه یادگیری به عنوان مکانی برای پذیرش رویکرد یادگیری به زندگی (شبکه‌های یادگیری). تقسیم نموده است. هولفرد و جارویس (۲۰۰۰) نیز در مقاله «جامعه یادگیری» معناهای مختلف جامعه یادگیری را به چهار دسته یا مدل شامل جامعه یادگیری به عنوان جامعه آینده گرا، جامعه یادگیری به عنوان جامعه عقلانی، جامعه یادگیری به عنوان جامعه مصرف کننده و جامعه یادگیری به عنوان جامعه یادگیری برنامه ریزی شده، تقسیم نموده اند.

با مقایسه این دسته بندی‌ها با کمی اغماض می‌توان گفت جامعه آینده گرا با جامعه تحصیل کرده، جامعه عقلانی با جامعه شبکه‌های یادگیری و جامعه مصرف کننده با جامعه بازار یادگیری معادل هستند. در ادامه ویژگی‌های این جوامع با عنوان‌های: ۱- جامعه تحصیل کرده؛ ۲- جامعه بازار یادگیری و ۳- جامعه شبکه‌های یادگیری بررسی می‌شوند.

جامعه یادگیری به عنوان جامعه تحصیل کرده (آینده گرا)

این مدل که تا حدودی به مباحث مدرنیسم کلاسیک نزدیک است دیدگاهی آرمانی از آموزش لیبرال است که نسبت به شهروندی فعال، دموکراسی لیبرال و فرصت‌های برابر متعهد است (هولفرد و جارویس، ۲۰۰۰). در این جامعه به جای یادگیری، آموزش مادام العمر مفهوم کلی حاکم بر سیاست‌های آموزشی است و توجهی ویژه به آموزش بزرگسالان دارد (ساتون³⁹، ۱۹۹۷) فرض زیربنایی آموزش در این جامعه آن است که افراد برای یادگیری وظیفه اخلاقی دارند. آنها حق دارند به عنوان شهروند در جامعه یادگیری مشارکت داشته باشند و این حق برای آن‌ها این وظیفه را ایجاد می‌کند که به عنوان یک



شهروند وظیفه شناس همواره به دنبال یادگیری باشند (ادواردز، ۱۹۹۷) در این جامعه نظام آموزشی به وسیله دولت تدارک و حمایت می‌شود و کارکرد آن به بودجه عمومی وابسته است. طبق نظر هولفرد و جارویس (۲۰۰۰) جامعه تحصیل کرده یک جامعه آینده گراست، زیرا افرادی که به توصیف این جامعه پرداخته اند، جامعه ای ایده آل یا آرمانی که در آینده می‌تواند تحقق یابد، ترسیم کرده اند.

جامعه یادگیری به عنوان جامعه بازار یادگیری (جامعه مصرف کننده)

این تصور از جامعه یادگیری بخشی از مباحث مدرنیته است و در بحث‌های پسامدرن تا حدودی مد نظر قرار گرفته است. در چنین جامعه ای، سه فرض اساسی پذیرفته شده است اول اینکه در بحث های پیرامون یادگیری مادام العمر بر بازده اقتصادی یادگیری بیش از سایر بازده ها تأکید شود؛ دوم اینکه تأکید بیشتری بر یادگیرنده قرار گیرد تا یادگیری مادام العمر او در بازار فرصت ها فراهم شده و یادگیری در سراسر دوران زندگی او را تضمین کند. سوم اینکه پرداختن به این موضوع به متخصصان تعلیم و تربیت مربیان و متولیان آموزش بزرگسالان محدود نمی شود، بلکه سیاست‌گذاران، کارفرمایان اتحادیه‌های بازرگانی و غیره نیز باید به این بحث وارد شوند در این جامعه، بازار یادگیری وجود دارد که هدف اساسی آن، پاسخ به تقاضاهای افراد و کارفرمایان در مورد روز آمد کردن مهارت ها و شایستگی هاست (اسمیت⁴⁰، ۲۰۰۲) به عقیده هولفرد و جارویس (۲۰۰۰) جامعه یادگیری به عنوان بازار یادگیری، جامعه ای مصرف کننده است، زیرا در بازار یادگیری از تبلیغات برای پرورش آرزوها و تمایل به مصرف استفاده میشود (ادواردز، ۱۹۹۷) و افراد می‌توانند از طریق خرید بسته های چند رسانه ای رایانه ها وارد شدن به شبکه تماشای برنامه های مخصوص یادگیری در تلویزیون، خرید مجلات یا کتاب‌های خود آموز و یا شرکت در دوره های یادگیری خود آموز یاد بگیرند. مؤسسات آموزش رسمی تنها یکی از تدارک کنندگان اطلاعات در بازار یادگیری هستند.

جامعه یادگیری به عنوان جامعه شبکه‌های یادگیری (جامعه عقلانی)

رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و آثار و پیامدهای اجتماعی فرهنگی و سیاسی آن‌ها، موجب طرح ایده جامعه شبکه‌های یادگیری شده است. این مفهوم از جامعه یادگیری در بحث های پسامدرنیستی (اسمیت، ۲۰۰۲) و مدرنیته عقلانی مطرح شده است (گیدنز⁴¹، ۲۰۰۰) این جامعه یادگیری، جامعه ای است که طیف وسیعی از منابع را فراهم می کند تا یادگیرندگان قادر به انتخاب سبک زندگی‌شان شوند و آن را تمرین کنند. از این رو، مجموعه ای از شبکه های یادگیری یا شبکه های قومی جدید محلی، منطقه ای، ملی و جهانی را ایجاد می‌کند که دارای همپوشانی هستند. این شبکه های یادگیری، آموزش را به محور اصلی فعالیت جامعه تبدیل می‌کنند و در آن ایده های بازار و شهروند مصرف کننده پیروی می‌شود (مورفی⁴²، ۲۰۱۰). در این جامعه، یادگیری امری فردی است و مهمترین عامل محرک آن، علاقه و انگیزه یادگیرنده است و دولت و مؤسسات آموزشی نقش کمی دارند (فیلد⁴³، ۲۰۰۴).

کدام مفهوم و مدل از جامعه یادگیری؟

مرور دیدگاه‌ها و مدل‌های جامعه یادگیری برخی از صاحب‌نظران مانند هاگز و تایت⁴⁴ (۱۹۹۸) را بر آن داشته تا اعلام کنند ایده جامعه یادگیری افسانه ای برای مدرنیته است. در اکثر بیانیه‌های خط مشی برای تحقق جامعه یادگیری، ادراکات ایزاری و شغلی از آموزش جای گرفته است و فرآیندهای آموزش لیبرال و رهایی بخش کمتر دنبال می شود در مقابل، عده دیگری با بررسی جهانی شدن و پیامدهای آن نتیجه گرفته اند، نظام جهانی شده ای که اکنون در آن قرار داریم به جامعه یادگیری و یادگیری مادام العمر نیاز دارد و انکار این نیاز غیر واقع بینانه خواهد بود (جارویس، ۲۰۰۸). متفکرانی مانند استرین و فیلد (۱۹۹۸) توصیه می‌کنند اگر چه این ایده تاکنون در عمل توسط اتحادیه های کارگری دولت‌های ملی و مؤسسات مالی جهانی مورد سوء استفاده قرار گرفته است اما نباید در کنار گذاشتن این ایده شتابزده عمل کرد. بنابراین، در مورد ضرورت تلاش برای رسیدن به جامعه یادگیری شکی نیست (اسمیت، ۲۰۰۲). اکنون بسیاری از تئوری پردازان نگاه اقتصادی به یادگیری مادام العمر و افراط در پذیرش جامعه یادگیری به عنوان بازار یادگیری را رد کرده اند (هیلاوند⁴⁵، ۲۰۰۳). آن‌ها درباره مدل مطلوب جامعه یادگیری تذکر می‌دهند که باید از مدل اقتصادی فراتر رفت. به عبارت دیگر: اکنون ما به یک چشم انداز و دستورالعمل گسترده تر، حتی وسیع‌تر از دانش نیاز داریم تا هشیاری ما درباره جهان متفاوت شود. با سرعت تغییر، ما به ادامه دادن به یادگیری و دیدگاهی از جامعه یادگیری نیاز داریم که درک انسانی تری از یادگیری داشته باشد؛ جامعه یادگیری متفاوت با آنچه تاکنون تصور شده است جامعه یادگیری با اولویت‌های جدید و علایق جدید؛ جایی که موضوع انسان مهمترین منبع آن باشد نه ابزار آن (جارویس، ۲۰۰۸). طبق نظر این تئوری پردازان هر یک از مدل های جامعه یادگیری دارای مزایا و معایبی است. با مطالعه و شناسایی آن‌ها بعضی از افراد توصیه کرده اند به جای تأکید بر یک مدل ترکیبی از آن‌ها به

Smith⁴⁰

Giddens⁴¹

Murphy⁴²

Field⁴³

Hughes and Tight⁴⁴

Hyland⁴⁵



دوین کتفراس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

صورت مدل جدیدی از جامعه یادگیری پیشنهاد شود. با توجه به این توصیه برای مثال، ادواردز (۱۹۹۷) مدل جامعه یادگیری را ارائه کرده که در آن شبکه های یادگیری وجود دارد. این شبکه های مبتنی بر عقاید پسامدرنیستی، در کنار بازارهای یادگیری که مبتنی بر عقاید مدرنیستی است و تدارک آموزش رسمی تر که مبتنی بر لیبرال دموکراسی است ایجاد و در اختیار اعضای جامعه قرار می گیرد (ادواردز و همکاران، ۲۰۰۲) تا افرادی که بیشتر علاقه مند یادگیری هستند، بتوانند در یک محیط یادگیری باز، خود به مطالعه مشغول شوند. اسمیت (۲۰۰۲) کوهن و لیستر⁴⁶ (۲۰۰۳) و بسیاری از نظریه پردازان، مدل جامعه یادگیری به عنوان شبکه های یادگیری ادواردز را پذیرفته اند در عمل نیز با توجه به این واقعیت که اکنون در جهان هیچ جامعه ای وجود ندارد که کاملاً در شرایط مدرن یا پسامدرن به سر برد، اغلب دولت ها از رویکرد ترکیب مدل های جامعه یادگیری استقبال کرده اند (هولفرد، جارویس، ۲۰۰۰) البته، اندیشمندان پیروی کورکورانه از این کار را مورد انتقاد قرار داده اند. ایشان معتقدند برای آنکه جامعه انسانی به جامعه یادگیری واقعی تبدیل شود توجه به چند نکته ضروری است. اول آن که یک مدل واحد ایده آل جامعه یادگیری که برای تمام کشورها مناسب باشد، وجود ندارد. باید مدل و راهبردی تهیه شود که متناسب با میراث فرهنگی و ملی ویژه هر ملت باشد و خط مشی ها بر اساس شرایط و نیازها تهیه شوند (تایجنمن⁴⁷، ۲۰۰۲). دوم آنکه، همان طور که ادواردز و همکاران (۲۰۰۲) یادآوری می کنند، مطالعه نظری برای تهیه خط مشی و مدل کافی نیست؛ برای تدوین مدل مناسب و خط مشی اثر بخش شناسایی مسایل و چالش های موجود لازم است. سوم آن که تأکید بر فردگرایی در جامعه یادگیری نباید موجب افراط و تفریط شود. این مسؤلیتی است که باید میان تمام اجزای جامعه اعم از دولت، کارفرمایان اتحادیه های تجاری سازمان های داوطلب و افراد تقسیم شود (کافیاد⁴⁸، ۱۹۹۸). همچنین تحقق جامعه یادگیری نیازمند رواج فرهنگ یادگیری مادام العمر است. همه افراد واقعاً سهمیم در این فرهنگ، باید آن را تعریف کنند و از آن حمایت نمایند و نباید تحقق آن فقط به عهده دولت گذاشته شود.

پیشینه پژوهش

جامعه یادگیرنده حرفه ای: ایده جامعه یادگیرنده که امروزه در بسیاری از سازمان ها از آن استفاده می شود، بر روی جامعه یادگیرنده حرفه ای (PLC) تمرکز دارد با توجه به این که یادگیری می تواند به عنوان تمرکز اصلی فعالیت های مؤسسات آموزشی دیده شود، بنابراین مدرسه، مناسب ترین جامعه یادگیرنده حرفه ای است. جامعه یادگیرنده حرفه ای به عنوان ظرفیتی برای ارتقای یادگیری دانش آموزان و معلمان در نظر گرفته می شود (دی موک، ۲۰۱۲).

در طول ۲۰ سال گذشته محققان جامعه یادگیرنده حرفه ای را به عنوان مدلی برای اصلاح مدرسه مطرح کرده اند که از کار سنگه در کتاب پنجمین فرمان (۱۹۹۰) نشئت گرفته است. به باور سنگه (۱۹۹۰) ۵ بعد تفکر سیستمی، تسلط شخصی، مدل های ذهنی چشم انداز مشترک و یادگیری تیمی می تواند سازمان را در وضعیتی قرار دهد که «واقعاً» یاد بگیرد و بتواند مستراً ظرفیتش را برای محقق شدن بالاترین آرمان های خود، پرورش دهد (سنگه، ۱۹۹۹ به نقل از پهلوان ۱۳۹۴).

سرجیووانی جامعه را به عنوان مجموعه ای از افرادی که با اراده طبیعی گرد هم آمده اند و ایده ها و آرمان های خود را با هم به اشتراک گذاشته اند تعریف می کند. بر اساس تعریف او، مدارس هم جوامعی هستند که افراد در آن به تسهیم و به اشتراک گذاری ایده ها و ارزش هایشان می پردازند و از این طریق، مدارس فرهنگ رشد و تغییر را توسعه می دهند. نیومن و ولیج گزارشی ترکیبی از مطالعات انجام شده در طول سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ را با همکاری مرکز سازماندهی و تجدید ساختار مدارس (CORS) انجام دادند که یافته های مطالعه اش حکایت از تأثیر ظرفیت سازی سازمانی با ایجاد جامعه حرفه ای بر بهبود و پیشرفت یادگیری دانش آموزان دارد. در این گزارش قید شده است جامعه حرفه ای به معلمان اجازه می دهد تا به دنبال یک هدف روشن مشترک برای همه دانش آموزان در زمینه یادگیری آنان باشند، در فعالیت ها برای رسیدن به هدف مشارکت نمایند و مسؤلیت جمعی برای یادگیری را بپذیرند. به اعتقاد آنان مدارس به عنوان جامعه یادگیرنده حرفه ای به وسیله شرایط ساختاری، رهبری توزیعی، تبیین چشم اندازهای مشترک خودمختاری که از سوی مسئولین دولتی به آنها داده شده، تمرکز کارکنان بر یادگیری دانش آموزان ایجاد مدارس مشارکتی کوچک و مشارکت والدین در امور مدرسه به سمت بهبود و پیشرفت تشویق می شوند. کریس، لوئیس و بریک به نتایج مشابهی با نیومن و ولیج دست یافتند. هورد جامعه یادگیرنده حرفه ای را با ویژگی هایی نظیر: رهبری حمایتی و توزیعی، چشم انداز و ارزش های مشترک یادگیری جمعی نتایج اقدام شخصی به اشتراک گذاشته شده، شرایط، ارتباطات و ساختارهای حمایتی تبیین کرده است.

روش تحقیق

پژوهش کیفی حاضر براساس معیار هدف پژوهشی توسعه ای است زیرا هدف آن افزودن مدلی مبتنی بر مبانی فلسفی دین اسلام و فرهنگ ایرانی به مجموعه مدل های موجود است و از لحاظ روش از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل دو گروه است گروه اول، مدیران معاونان و اعضای هیأت علمی مشغول به کار در دانشگاه دولتی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ هست. ملاک انتخاب آنان داشتن سابقه تدریس مدیریت و پژوهش

Kuhn and Lister⁴⁶Taijenman⁴⁷Coffield⁴⁸



درباره موضوع تحقیق و موضوعات وابسته به آن است. گروه دوم، صاحب‌نظران آموزش عالی هستند که در مؤسسات وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری از جمله مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مرکز تحقیقات سیاست‌های علمی کشور کمیسیون ملی یونسکو در ایران، کمیسیون ملی آیسکو در ایران و انجمن آموزش عالی مشغول به کار بوده در زمینه موضوع پژوهش و موضوع های وابسته به آن، از جمله جامعه دانایی محور، یادگیری مادام‌العمر و سازمان یادگیرنده، صاحب اثر و تألیف هستند و در این زمینه حداقل یک پژوهش انجام داده اند یا یک مقاله علمی چاپ شده دارند. اکثر این صاحب‌نظران افرادی هستند که مطالعات اولیه لازم برای برنامه ریزی و تصمیم گیریهای کلان آموزش عالی، مانند سیاست ها و راهبردهای مربوط به آموزش عالی در برنامه های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را انجام داده اند افراد این جامعه که ۹۸ نفر بودند، بر اساس راهبرد نمونه گیری هدفمند از سه طریق بررسی متون فارسی و جستجوی پژوهش‌ها، مراجعه به سوابق علمی اعضای هیأت علمی موجود در سایت دانشگاه ها و نظرخواهی از متولیان آموزش عالی (روش زنجیره ای⁴⁹)، شناسایی شدند. باتوجه به راهبرد نمونه گیری هدفمند و به منظور حصول معیار اشباع نظری و تکرار پذیری (گال⁵⁰ و همکاران، ۱۳۸۳) برای همه افراد شناسایی شده به عنوان جامعه آماری دعوت‌نامه ای مبنی بر موافقت با شرکت در مصاحبه ارسال گردید. سر انجام ۲۴ نفر (۹ نفر از صاحب‌نظران و ۱۵ نفر از مدیران و اعضای هیأت علمی) موافقت خود را اعلام نمودند. دیدگاه های این نمونه، با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع آوری گردید.

برای انجام مصاحبه ها راهنمای مصاحبه تهیه گردید و اعتبار محتوایی آن توسط همکاران پژوهش و هفت نفر از دانشجویان دوره دکتری و اعضای هیأت علمی گروه علوم تربیتی تأیید شد. علاوه بر این، برای افزایش قابلیت اطمینان و تعمیم پذیری نتایج مصاحبه، از روش سه سو سازی استفاده شده است. برای این منظور، از یافته های مطالعه اسناد و مدارک برای تأیید صحت یافته های مصاحبه و پرسشنامه بهره گرفته شد. علاوه بر این نتایج طبقه بندی‌ها و تحلیل مصاحبه ها به تأیید همکاران پژوهش رسید برای کاوش به وسیله مصاحبه شوندهگان، متن پیاده شده، مصاحبه ها، به آنان بازگردانده شده و خواسته شد تا هر گونه اصلاح تغییر یا نظر جدیدی دارند، اعلام کنند. سپس، متن پیاده شده تمام ۲۴ مصاحبه با روش مقوله بندی موضوعی تجزیه و تحلیل شدند. مطابق این روش متن‌ها به دقت مطالعه شده و دیدگاه های مربوط به ضرورت جامعه یادگیری مفهوم و ویژگی های جامعه، یادگیری راهکارهای تحقق این جامعه و موانع تحقق آن با ذکر کد اختصاص یافته به هر یک از مصاحبه شوندهگان در کنار یکدیگر قرار گرفتند. سپس با مرور آن‌ها جملات و عبارات معنادار مشخص شده و جمله های دارای معنای مشابه در تمام مصاحبه‌ها کنار یکدیگر قرار گرفتند و مطابق با مفهوم مستتر در آن‌ها برایشان، کد یا نامی در نظر گرفته شد. پس از آن با مروری مجدد، کدهای مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفتند و مقوله های بزرگتر تشکیل شد. کار ادغام و دسته بندی مقوله ها تا رسیدن به یک نظام مقوله بندی مناسب ادامه یافت. این نظام با نظارت همکاران پژوهش بازنگری شد و براساس آن تمام مصاحبه ها تجزیه و تحلیل گردید و در گزارش پژوهش، نتایج به وسیله نقل قول مستقیم و غیر مستقیم بررسی شد.

یافته های پژوهش

در سال‌های اخیر صاحب‌نظران ایرانی هر چه بیشتر متوجه ضرورت و اهمیت بستر سازی برای تحقق جامعه یادگیری شده اند. این پژوهش نیز بر اهمیت چنین تلاشی اصرار داشته برای آن دلایلی مانند نیاز فطری به یادگیری الزام‌های فناورانه زندگی در عصر حاضر، تغییر و تحول در بازار کار وجود پشتوانه های فرهنگی و زیستن در عصر دانش را مطرح نموده اند. مهمترین دلیل ضرورت جامعه، یادگیری آن است که ما در قرنی زندگی می کنیم که به آن قرن دانش و قرن یادگیری می گویند و بسیاری از کشورها پذیرفته اند که برای رسیدن به توسعه باید به جامعه دانش تبدیل شوند کشور ما نیز در سند چشم انداز بیست ساله و برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی چهارم و پنجم مسیر خود را رسیدن به توسعه دانش محور یا دانایی محور انتخاب کرده است. مصاحبه شوندهگان معتقدند اگر این تعریف از جامعه دانش پذیرفته شود جامعه ای که در آن فرآیندهای تولید، انتقال، ترویج، اشاعه، ذخیره سازی، کدبندی و بهره برداری از دانش به حداکثر رسیده باشد، برای آنکه چنین جامعه ای ایجاد شود باید افراد به دانش دسترسی داشته باشند و بتوانند از آن بهره برداری کنند و فراتر از آن در تولید دانش سهیم شوند. بنابراین باید همواره در حال یادگیری باشند. برای تبیین جامعه یادگیری، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سه سؤال است:

- ۱- مفهوم جامعه یادگیری چیست؟
- ۲- جامعه یادگیری دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳- راهکارهای تحقق جامعه یادگیری در ایران چیست؟

⁴⁹ روش زنجیره ای در تحقیق کیفی روشی است که در آن محقق با افراد مطلع مشورت می کند تا آنها موارد مناسب تحقیق را معرفی نمایند. ممکن است تمام یا برخی از موارد معرفی

شده، در نمونه گنجانده شوند. (گال و همکاران، ۱۳۸۳).

دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



در ادامه یافته‌ها با توجه به سه سؤال مطرح شده، ارائه می‌گردد:

سؤال اول: مفهوم جامعہ یادگیری ایرانی

در یک مفهوم کلی می‌توان گفت جامعہ یادگیری، جامعہ ای است که در آن هر کس به هر نوع آموزشی که نیازمند است در هر زمان و مکانی می‌تواند دسترسی داشته باشد اما برای تعریف دقیق تر مصاحبه شوندگان معتقدند اول باید تغییر جہتی از آموزش به سوی یادگیری را دنبال کنیم. در جامعہ یادگیری، آموزش مدنظر نیست بلکه آنچه مورد توجه قرار دارد «یادگیری» است و آموزش یک ابزار یا سکو برای یادگیری است. یکی دیگر از مصاحبه شونده معتقد است باید روی این مسأله تأکید جدی داشته باشیم پس از آن باید مفهوم مورد نظر از یادگیری و هدف از آن را مشخص نمود:

باید بتوانیم اهدافمان را از فضای یادگیری مشخص کنیم تا بعد بتوانیم تعیین کنیم که چگونه می‌توانیم این یادگیری را محقق کنیم چگونه می‌تواند مراتب این یادگیری ایجاد شود باید مشخص کنیم آیا یادگیری برای یادگیری حقیقت مطلوب ماست یا یادگیری برای رسیدن به یک هدف و عمل دیگر مد نظر است آن وقت تعریف ما از جامعہ یادگیری متفاوت خواهد بود.

یادگیری و هدف از آن را از دو بعد میتوان بررسی نمود: از بعد فردی یادگیری مثل نفس کشیدن جزیی یا بخشی از زندگی انسان است. زمان مرگ انسان‌ها وقتی فرا می‌رسد که نمی‌توانند یاد بگیرند از این دیدگاه یادگیری باید تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار انسان‌ها به وجود آورد که بر اثر تجربه حاصل شده باشد. بنابراین، همه انسان‌ها از همان لحظه که بیدار می‌شوند یاد می‌گیرند و تغییراتی بر اثر تعامل با جامعہ و محیط در رفتارشان ایجاد می‌شود. امروزه انسان‌ها نسبت به افرادی که پنجاه یا صد سال پیش زندگی می‌کرده اند، به دلایل مختلف تحت تأثیر تجارب شدیدتری قرار دارند این شرایط باعث شده تا انسان‌ها بیشتر در معرض اجبار برای یادگیری قرار داشته باشند. جامعہ یادگیری، جامعہ ای است که در آن همه افراد انگیزہ یادگیری دارند و صرف نظر از آنچه باید بخوانند یا خوانده اند یا جزو وظایفشان است که بخوانند باز هم برای اندوختن دانش یا سازگار کردن دانش قبلی خودشان با آنچه در آینده مورد نظر است، فعالیت می‌کنند تا به هدف‌های فردی خود برسند و امورشان بگذرد و به حیات‌شان ادامه دهند. جامعہ یادگیری به یادگیری در قلمرو زندگی اجتماعی و اهداف اجتماعی آن توجه دارد. در جامعہ یادگیری، یادگیری در سه حلقه مدنظر است: در حلقه اول افراد یاد می‌گیرند تا جامعہ پذیر شوند؛ در حلقه هدف دوم، یادگیری این است که افراد بیاموزند تا در مورد مسایل پیرامونشان حساسیت داشته باشند و اصول و بدیهیات و اهدافی را که از پیش فرض شده است، زیر سؤال ببرند و اگر لازم بود آنها را تغییر دهند؛ در حلقه سوم، هدف از یادگیری آن است که افراد یاد بگیرند در طول زندگی چگونه یاد بگیرند و بتوانند آنچه برای زندگی فردی و اجتماعی شان لازم است بیاموزند و به توسعه خودشان و جامعہ ای که در آن زندگی می‌کنند، کمک نمایند در جامعہ یادگیری افراد برای دستیابی به نتایج مورد علاقہ خود یاد می‌گیرند و به گسترش توانمندی‌های خود می‌پردازند افراد همواره یاد می‌گیرند که چگونه یاد بگیرند اما در محیطی جمعی، شیوہ اندیشیدن پرورش داده می‌شود بینش مشترک تشویق می‌شود و افراد می‌توانند تمایلات جمعی را آزادانه بیان کنند افراد تشویق می‌شوند تا نتایج، عقاید نظر‌ها و دانش خود را با دیگران در میان بگذارند و یادگیری گروهی داشته باشند. مهمترین کلید پیشرفت و توسعه جامعہ یادگیری است زیرا یادگیری وسیلہ ای برای ظرفیت سازی در انسان‌هاست. وی ادامه می‌دهد:

به نظر من ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسانی با ظرفیت یادگیری در جامعہ رابطه مستقیم دارد بنابراین جامعہ یادگیری، جامعہ ای است که می‌خواهد از منابع خود تا حد اکثر ممکن استفاده کند و آن‌ها را به بالاترین حد از ظرفیت و استعدادشان برساند و چون یادگیری مهمترین عامل این ظرفیت سازی است زیر ساخت‌های دانش را در خودش ایجاد می‌کند و شرایطی را فراهم می‌سازد تا هر کس در هر موقعیتی که قرار دارد، بتواند به دانش مورد نیازش دسترسی پیدا کند و از آن برای ظرفیت سازی در خودش و جامعہ استفاده نماید.

در مجموع جامعہ یادگیری، جامعہ ای است که در آن هر فرد خود انگیزه برای هدفی بالاتر و یک مقصود متعالی تر به دنبال یادگیری می‌رود او برای آنکه بتواند واقعاً رشد کند ترقی کند و خود و جامعہ اش را تعالی دهد و به کمال برساند برای آنکه واقعاً در جامعہ اثرگذار باشد و جامعہ بتواند ترقی کند و توسعه یابد، به یادگیری مشغول می‌شود.

سؤال دوم: ویژگی‌های جامعہ یادگیری ایرانی

جامعہ یادگیری فقط مجموعه ای از افراد یادگیرنده نیست بلکه مجموعه ای دارای چندین ویژگی است که باید متناسب با مبانی فلسفی و شرایط هر کشور تبیین شوند درباره جامعہ یادگیری، کشورهای دیگر متناسب با شرایط و فلسفہ پذیرفته شده در جامعہ شان برخورد کرده اند. واضح است فلسفہ‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف در این باره حرف‌های گوناگونی دارند. به نظر می‌آید ما نیز در تنظیم مدل جامعہ یادگیری باید به تناسب با شرایط کشورمان و مبنای فلسفی آن، خوب توجه کنیم، زیرا آن‌ها مانند چتری هستند که بر تمام تصمیم‌ها اثر خواهند گذاشت این اثر هم در صورت مدل و هم در محتوای آن خواهد بود.

جامعہ یادگیری ایرانی دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان آن‌ها را در چهار بعد اجتماعی، علمی، فردی، فرهنگی و اقتصادی دسته بندی نمود. در ادامه، توضیحاتی درباره هر یک از ابعاد مذکور ارائه می‌گردد:

الف) ویژگی‌ها در بعد اجتماعی



این ویژگی ها شامل گسترش عدالت اجتماعی، حمایت و ترویج عقلانیت جمعی و نقادی، تشویق شهروند فعال و حفظ و تقویت انسجام اجتماعی است که در ادامه توضیحاتی در خصوص هر کدام ارائه می‌گردد:

۱- گسترش عدالت اجتماعی

آموزه های دین اسلام و عقل و تجربه سایر کشورها حکم می‌کند که عدالت آموزشی مقدمه عدالت اجتماعی است. طبق تعریف عدالت عبارت است از آنکه همه افراد در بهره برداری از امکانات اجتماعی فرصت برابر داشته باشند و برای استفاده از آن‌ها با هم رقابت کنند. شرط رقابت در بهره برداری از این فرصت‌ها برخورداری از سطح بالاتری از آموزش است اگر جلوی فردی را به هر بهانه ای بگیرند، این برخلاف عدالت است. در دنیای امروز آموزش و یادگیری یک مزیت است و مهمترین مزیت در رقابت است. بنابراین از نظر من جامعه، یادگیری جامعه ای است که برای آنکه عدالت برقرار کند یعنی به توانمندسازی مردم و ظرفیت سازی در آن‌ها بپردازد و به مردم فرصت دهد تا استعدادهای خودشان را بروز دهند و هر چه بیشتر بتوانند در جامعه از فرصت‌های اجتماعی بهره ببرند اساساً آموزش را از حالت آماده کردن برای بازار کار خارج کرده است و آموزش جزو ویژگی‌های اساسی آن شده است. جامعه شامل تمام قشرها و گروه های سنی مختلف است و هر کدام از آن‌ها در هر رده سنی ویژگی‌های خاص خود را دارند. علاوه بر این آن‌ها از لحاظ شرایط شخصیتی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی متفاوتند در کشور ما تنوع ویژگی‌ها و شرایط حتی در منطقه ای خاص، صفتی بارز و آشکار است در نتیجه جامعه یادگیری با توجه به این تنوع باید آموزش‌های متنوعی را فراهم کند تا عدالت اجتماعی برقرار شود.

۲- حمایت و ترویج عقلانیت جمعی نقادی

جامعه ای که یادگیری جزو خصوصیات آن باشد، از تفکر جمعی حمایت می‌کند زیرا می‌داند که دانایی نزد یک نفر قابل جمع و انباشت نیست. می‌داند دانایی پراکنده است و همه چیز را همگان می‌دانند. چنین جامعه ای از تبادل اطلاعات و دیدگاه ها می‌تواند راهگشای مسایل توسعه در آینده باشد. هنگام بروز هر مسأله ای، همه افرادی که در زمینه آن دانش، تجربه و تخصص دارند کنار هم گرد آمده تبادل نظر می‌کنند و با استفاده از اطلاعات موجود در سیستم های اطلاعاتی راه حل‌های مناسب را پیدا می‌کنند. جامعه یادگیری، جامعه ای نقد کننده و نقد پذیر است. درون آن از فرد نقد کننده حمایت شده و برای آن، تضمین های لازم قانونی پیش بینی می‌شود. در این نوع جامعه دانایی اشاعه داده می‌شود که علم پالوده یا دانش به چالش کشیده شده است تا تبدیل به دانش منطقی شود. اکنون دانش به صورت دایره المعارف در فایل‌های الکترونیکی همه جا موجود است و هر کس می‌تواند آن‌ها را پیدا کند ولی چیزی که هم اکنون خیلی مهم است برخورد توأم با دانایی یا عقلانی است. بنابراین جامعه یادگیری از یاد گرفتن چگونه یاد گرفتن، چگونگی دسترسی به اطلاعات، زمان مناسب برای دسترسی به آن‌ها چگونگی پردازش اطلاعات و به کار گرفتن آنها حمایت می‌کند در جامعه دانایی محور این مهارت ها لازمند و جامعه یادگیری آن‌ها را پرورش می‌دهد.

۳- تشویق شهروندی فعال

جامعه یادگیری، شهروندی را که نسبت به جامعه اش احساس تعهد می‌کند، در آن مشارکت فعال دارد و در پیشرفت آن مشارکت می‌کند، پرورش می‌دهد این جامعه در فرایند یادگیری رسمی و غیر رسمی سه هدف عمده را دنبال می‌کند اول تغییر در باورها نگرش‌ها و رفتار افراد تا کسانی تربیت شوند که دارای روحیه یا نگرش علمی باشند؛ دوم تلاش برای آنکه افرادی خلاق، نوآور و چارچوب شکن پرورش داده شوند که هدف‌های سیاسی - اجتماعی جامعه را نقد کنند، بدیهیات را فرض نکنند و آنها را زیر سؤال ببرند؛ سوم، درصدد پرورش افرادی است که یادگیری مادام العمر داشته باشند، خودشان بتوانند خود بسنده در یادگیری باشند و راه های یادگیری را امتحان کنند، بنابراین ترکیبی از این سه هدف را در طرح‌ها و روش‌هایش دنبال می‌کند چنین جامعه ای برای تشویق افراد به یادگیری و مشارکت فعال در توسعه جامعه، از انگیزه تعالی و پیشرفت استفاده می‌کند اعضای جامعه به اعتبار انسان بودنشان خواهان تعالی و ترقی و پیشرفت نه تنها خودشان، بلکه جامعه شان هستند البته نیاز به پیشرفت به قلمرو ملی محدود نمی‌شود. بنابراین جامعه یادگیری به انسان آگاه یا شهروند جهانی می‌اندیشد که می‌تواند سایر جوامع را درک کند و از آنها یاد بگیرد و تنوع و تکثر را افزایش دهد.

۴- حفظ و تقویت انسجام اجتماعی

«جامعه یادگیری»، جامعه ای است که از مرحله عقلانیت جمعی هم فراتر می‌رود. در این جامعه، یادگیری تنها به منظور توانایی گفتگو و رسیدن به راه حل های جمعی توسعه داده نمی‌شود، بلکه یادگیری جمعی تشویق میشود زیرا به انسجام جامعه کمک می‌کند و یکپارچگی به وجود می‌آورد. افراد احساس می‌کنند به هدفی مشترک رسیده اند و همدیگر را درک می‌کنند فهمیدن یکدیگر یکی از ارکان جامعه یادگیری است. جامعه یادگیری جامعه ای است که در عمل، به انسجام در هدف نهایی دست یافته است. آن، در حقیقت جامعه ای انسانی در تمام ابعادی است که ما برای جامعه انسانی تعریف می‌کنیم. در این جامعه، یادگیری فرآیندی برای دستیابی به ارتقاء اخلاقی، اعتقادی و رفتاری جامعه است. در این جامعه، یک سری از اطلاعات که ما را در رسیدن به یک اخلاق شایسته راهنمایی می‌کند مطالبی که ما را به یک عقیده شایسته رهنمون می‌کند و رفتارهایی که ما را در کارکرد فردی و اجتماعی موفق می‌کند آموزش داده می‌شوند. بنابراین، یادگیری جریانی است که به کمالات انسانی منجر می‌شود که او را به ارتقای روحی و معنوی که حقیقت جریان تعبد و بندگی خداوند در جامعه اسلامی است، رهنمون می‌شود ویژگی بارز این جامعه فضای یادگیری جمعی یا فرهنگ یادگیری است که در آن یک مجموعه



دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

شاخص های اخلاقی و اعتقادی تعریف شده است و مطابق با آنها باید رفتارهای اجتماعی ارتقا یابد و همه آنها در مسیری واحد؛ یعنی بندگی خداوند هدایت شود.

ب) ویژگی‌ها در بعد فردی

ویژگی های جامعه یادگیری را در بعد فردی شامل زمینه سازی برای افزایش احساس رضایت از خود یا توسعه فردی، ایجاد انگیزه یادگیری و پرورش توانایی خود رهبری در یادگیری است.

۱- افزایش احساس رضایت از خود

حامیان یادگیری مادام العمر تأکید دارند انسان موجودی است که دارای استعدادهای بالقوه بسیاری است و یادگیری، ظرفیت یا توانایی درونی است که به او اجازه می‌دهد، استعدادهای بالقوه اش را به فعلیت برساند، بنابراین، انسان‌ها چاره ای ندارند جز اینکه همواره در حال یادگیری باشند. جامعه یادگیری از این واقعیت آگاه است که همه اعضای آن در ضمیر و نهاد خود این را حق خود می‌دانند که به آموزش دسترسی داشته باشند و شعور مردم، خودآگاه یا ناخودآگاه به آنها اجازه نمی‌دهد که توقف یادگیری‌شان را بپذیرند از این رو مستقل از اینکه حجم بازار کار و ظرفیت اقتصادی کشور چقدر است، سیاست توسعه کمی فرصت های یادگیری و آموزش را دنبال می‌کند تا افراد احساس کنند به حق خود رسیده‌اند جامعه این امکان را فراهم می‌کند تا افراد بتوانند به نتایج مورد علاقه خود برسند همچنین شیوه های نوین اندیشیدن و یادگیری را تشویق می‌کند تا افرادی تربیت شوند که می‌توانند از مجموعه آنچه در اطرافشان هست، اعم از دانش یا امکانات، در جهت بهبود زندگی و رفاه و سعادت خود و جامعه شان استفاده کنند و در مواجهه با شرایط جدید و چالش‌هایی که برایشان به وجود می‌آید موفق باشند. جامعه یادگیری نه تنها تمرکز اصلی خود را بر

کودکان و نوجوانان و جوانان می‌گذارد، بلکه با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات طرح‌های یادگیری پس از آموزش عمومی و تکمیلی را برای گروه های مختلف طراحی می‌کند تا استعدادهای بالقوه بخش زیادی از جامعه به فعلیت برسد.

۲- ایجاد انگیزه یادگیری

اگر چه انسان دارای توانایی و ظرفیت یادگیری در درون است، اما گاهی به دلایل مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از این توانایی خود غافل است، به آن توجهی ندارد یا از بروز آن خودداری می‌کند در نتیجه برای آن‌که آنها از این ظرفیت برای رشد و ارتقای خود و جامعه استفاده کنند، به ایجاد انگیزه و برانگیخته شدن نیاز دارند. در این زمینه ممکن است خیلی ها بگویند جامعه در حرکت تکاملی خودش نیازهای یادگیری را می‌آفریند و این نیازهای تازه توسط افراد درک می‌شود. در نتیجه به آموزشی روی می‌آورند که فرصتش فراهم است. اما همیشه این طور نیست در یک طرف، امکاناتی که دولت نظام آموزشی و جامعه در اختیار افرادش قرار می‌دهد، وجود دارد و از طرف دیگر، هم خود افراد جامعه هستند که آیا می‌خواهند از امکانات استفاده کنند یا نه؟ انگیزه لازم را دارند یا نه؟ برای تحقق جامعه یادگیری، متولیان سیاست‌گذاری در نظام آموزشی علاوه بر اینکه پیش بینی می‌کنند فرصت های برابر ایجاد کنند از آن طرف هم باید انگیزه های لازم را برای افرادی که این فرصت‌ها برایشان فراهم شده پدید آورند تا از آنها استفاده کنند.

۳- پرورش توانایی خود رهبری در یادگیری

شرط موفقیت جامعه یادگیری پرورش توانایی خود رهبری در یادگیری است علت آن این است که با ورود فناوری به خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات، به تدریج در ایران هم مثل کشورهای غربی افراد در جامعه ای زندگی می‌کنند که از آنها انتظار دارد بتوانند منصف باشند و متناسب با تغییر شرایط زندگی خود را سازگار کنند. آنها باید بتوانند خود آموز و خود رهبر باشند. لذا باید مهارت های مربوط به آن آموزش داده شود. برای آن‌که جامعه یادگیری به وجود آید، باید یک آدم مستقل و از نظر علمی جنگیده و چالش پذیر و بشاش تربیت کنیم که واقعاً مسؤلیت انتخاب و تصمیم جدیدش را بپذیرد و بتواند از آن دفاع کند. فردی که چنین روحیه ای دارد در بزرگسالی خودش یادگیرنده است. او یادگرفته هر جا با مشکلی روبه رو شد، خودش راه حل پیدا کند و آن را رفع نماید یا اگر ابزاری را نداشت، می‌داند از چه کسی کمک بگیرد. «این جامعه یادگیری جامعه ای نیست که در آن هر کس به دیگران وابسته باشد تا به او چیزی یاد دهد، بلکه هرکس خودش برای خود برنامه ریزی می‌کند و زمان خود را مدیریت میکند. در واقع او خود رهبر است» بنابراین جامعه یادگیری دارای دو ویژگی بارز است: اول اینکه، افراد آن چگونگی یادگرفتن را آموخته اند؛ دوم اینکه، چون از توانایی خود رهبری برخوردارند به آنها آزادی انتخاب یا حق انتخاب داده می‌شود.

ج) ویژگی‌ها در بعد علمی

جامعه یادگیری در بعد علمی دارای پنج ویژگی، شامل: وجود ارتباط درونی میان بخش‌های آموزش رسمی، توجه به یادگیری غیر رسمی در پاسخ به نیازهای اقشار مختلف، توجه به نقش یادگیری اتفاقی، اتخاذ راهبردهایی برای حفظ کیفیت روش و محتوای یادگیری و استفاده از توانایی بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

۱- ارتباط درونی میان بخش‌های مختلف آموزش رسمی

یادگیری فرآیندی است که از گهواره تا گور ادامه دارد. بنابراین میان آموزش و پرورش و حتی آموزش پیش دبستانی با آموزش عالی و آموزش‌های رسمی بعد از آن باید ارتباط وجود داشته باشد در این زمینه تاکنون، آموزش عالی کاری نداشته که در آموزش و پرورش چه می‌گذرد؛ آموزش و پرورش هم با آموزش عالی ارتباطی نداشته است. هر کدام از آنها مطابق با



دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

دستورالعمل ابلاغ شده، عمل کرده اند. چنین وضعیتی نمی‌تواند جامعه یادگیری را به وجود آورد. باید دقت داشت، در این جامعه، آموزش عالی یا آموزش و پرورش تنها یکی از اجزای اصلی نظام یادگیری است که هم بر بخش های دیگر درگیر در یادگیری مؤثر است و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد در واقع آن‌ها یک بخش از پیوستار نظام آموزشی را تشکیل می‌دهند که مسیر واحدی را به سمت هدف جامعه یادگیری طی می‌کنند. در نتیجه همه نهادهای مسؤل تدارک این آموزش‌ها باید با یکدیگر ارتباط درونی داشته باشند.

۲- توسعه آموزش غیر رسمی متناسب با نیازهای همه اقشار

جامعه یادگیری همه اقشار اعم از تحصیل کرده های دانشگاهی تا عامه مردم محروم از سواد را شامل می‌شود که هر کدام از آن‌ها نیازهای یادگیری خاص خود را دارند. به همین دلیل، در جامعه یادگیری بیش از آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی توسعه داده می‌شود در این نوع جامعه، برای توسعه آموزش رسمی، دانشگاه‌هایی مثل پیام نور یا دانشگاه آزاد راه اندازی می‌گردد علاوه بر این، برای گسترش آموزش های غیر رسمی تحقیق می‌شود تا خلاها را شناسایی کنند و نیازها را بشناسند بعد تعیین می‌کنند چه برنامه هایی باید برای زنان خانه دار بگذارند، برای کارگرهای کارخانه ها چه سایتی را طراحی کنند و برای سایر اقشار چه باید بکنند به این ترتیب دوره هایی پیش بینی و طراحی می‌شوند تا همه مردم برای رفع نیازشان از آن‌ها استفاده کنند. جامعه یادگیری به این نیازها توجه دارد و برای مثال، دوره هایی کوتاه مدت با مدرک یا بدون مدرک دایر می‌کند. هر فرد با گذراندن آن‌ها هم تحصیل کرده و هم به هدفش رسیده است، بدون اینکه لازم باشد صد و سی و چند واحد درسی را بگذراند البته باید هم‌زمان، الزام هایی برای اقشار مختلف به وجود آید تا انگیزه مشارکت در دوره‌ها را پیدا کنند.

۳- توجه به یادگیری اتفاقی

جامعه حامی یادگیری، توجه دارد یادگیری محدود به یک فضا یک زمان و یک مکان مشخص نیست؛ هر جایی می‌تواند یادگیری صورت گیرد. یادگیری در نظام آموزش رسمی بخش کوچکی از کل یادگیری است. الان دانش آموزها و دانشجویهای ما بیشتر از آنچه از کلاس درس یاد می‌گیرند، از محیط می‌آموزند یادگیری در انسان گستردگی عجیبی دارد و بیشتر آن تحت تأثیر روابط بین فردی، روابط خانوادگی، روابط نهادی و سایر روابطی قرار دارد که انسان در معرض آن‌هاست با این معنا انسان به عنوان یک موجود، از هر آنچه با آن ارتباط دارد، یاد می‌گیرد. به این نوع یادگیری، یادگیری اتفاقی می‌گویند. جامعه یادگیری به نقش آن در کل مجموعه یادگیری رسمی، غیر رسمی و اتفاقی توجه دارد و آن را به حساب می‌آورد.

۴- توجه به کیفیت روش و محتوای یادگیری

جامعه یادگیری نه تنها فرصت‌های یادگیری را گسترش می‌دهد تا به نیازهای یادگیری اعضای خود پاسخ دهد، بلکه به کیفیت آن‌ها نیز توجه دارد. مثلاً ممکن است در یک جا ریاضی درس داده شود، در جای دیگر تاریخ یا هنر، این‌ها مهم نیست. آنچه مهم است روش آموزشی است که این جامعه به کار می‌گیرد تا افرادی پرسش‌گر، خلاق، تنوع طلب، منتقد و پرتحرک پرورش دهد. شیوه ای را به کار می‌گیرد که شهروندانی دارای روحیه همکاری جمعی و غیره تربیت شون. «در مجموع، جامعه یادگیری، جامعه است که منابع یادگیری آن متنوع است. روش‌های یادگیری و ابزارهای آن رشد یابنده متنوع و پویاست، سطح توانایی تفکر اعضای آن هم تا حد ممکن ارتقا پیدا کرده است. در هر سه حوزه شرایط لازم برای یادگیری در سراسر دوران زندگی مهیاست علاوه بر این، هدف این جامعه از توسعه فرصت های یادگیری منحصر به اینکه انسان‌ها بتوانند به دانش روز دسترسی داشته باشند نیست، بلکه نظام های یادگیری مستقر و فعال می‌شوند تا برای تولید دانش ظرفیت سازی کنند براساس این هدف، جامعه برای تعیین محتوای یادگیری از تجربیات جهانی هم استفاده می‌کند، اما کاملاً خلاقانه عمل کرده، آنها را با شرایط درونی کشور تطبیق می‌دهد. این جامعه برای فراهم کردن زمینه تولید دانش تبادل آزاد اطلاعات را ترویج می‌کند تا هر کس مهارت ها و دانشی را که یاد گرفته است به راحتی به دیگران منتقل نماید. اعضای جامعه تشویق می‌شوند تا تجربه هایشان را ثبت کنند تا به نسل‌های بعد منتقل شود، همچنین برای آن‌که افراد یادگیرنده شوند، منابع اطلاعاتی مثل کتابخانه های دیجیتال یا مکتوب و سایت‌های مختلف را در دسترس‌شان قرار می‌دهد و انجمن‌هایی که بتوانند این کارها را مدیریت کنند، تشکیل می‌دهد.

۵- استفاده از توانایی بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات

در جامعه یادگیری ابزار اصلی برای گسترش دسترسی به دانش، ایجاد زمینه های یادگیری و توسعه زیر ساخت‌های یادگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات است. فناوری‌ها مهمترین ابزارهای هستند که می‌توانند شعار «آموزش برای همه در هر زمان، در هر مکان» را محقق سازند. آن‌ها می‌توانند شبکه‌های یادگیری وسیع و پیچیده ای را در سطح کشور و جهان گسترش دهند تا در این شبکه ها دانش ریخته شود و کاربران بتوانند به راحت ترین شکل ممکن به این دانش دسترسی داشته باشند. «با توجه به اینکه هر چه فاصله زمانی بیشتر می‌شود، از یک طرف، توانایی یادگیری و پردازش اطلاعات در نسل‌های جدید افزایش می‌یابد و از طرف دیگر فناوری اطلاعات و ارتباطات ظرفیت‌های جدیدی ایجاد کرده است، امکان راه اندازی و توسعه شبکه های یادگیری رو به افزایش است. برای تحقق جامعه یادگیری می‌توان از این ظرفیت استفاده کرد.»

د) ویژگی‌ها در بعد فرهنگی

جامعه یادگیری ایرانی نه تنها بر الزامات و پیامدهای رشد سریع علم و فناوری و جهانی شدن تأکید دارد، بلکه بیش از آن بر تعالیم دین مبین اسلام مبتنی است و محتوا و روش‌های خود را از آموزه های این دین می‌گیرد، از لحاظ عقیدتی و پشتوانه

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



فکری برای جامعه یادگیری بسیار قوی هستیم و برای یادگیری مادام العمر، گسترده ترین و عمیق ترین آموزه ها را در اختیار داریم. برای تشویق مردم به یادگیری امام صادق (ع) می فرمایند که اگر مردم می دانستند در یادگیری علم چه فایده هایی وجود دارد به دنبال آن می رفتند؛ حتی اگر در این راه کشته شوند. برای تشویق یاد گرفتن در منابع اسلام گفته شده الحکمة ضالة المؤمن، کسی که ایمان دارد، دانش گمشده اوست و به دنبال آن می گردد. برای تشویق به یاد دادن، ما دستور داریم که زکات علم نشر آن است. فردی اگر مسلمان واقعی باشد باید زکات دانش خود را بدهد. این برای او واجب شرعی است. درباره علمی که باید یاد داده و یاد گرفته شود آمده است «اعوذ بک من علم لا ینفع»؛ یعنی به تو پناه می برم از علمی که نفعی ندارد. از دیدگاه، اسلام علم نافع علمی است که به انسان هویت می دهد و زندگی او را در دنیا و آخرت درست می کند. در حدیث دیگر داریم که می گوید طلب العلم فریضه علی کل مسلم؛ یعنی علم آموزی بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. هنگامی که کسب علم واجب شد، نوعی تکلیف است. در مقابل از نظر، جامعه این تکلیف تبدیل به حق می شود و شرایط جامعه باید به صورتی باشد که همه بتوانند به این تکلیفشان عمل کنند وجود این احادیث، به معنی آن است که در واقع در اسلام دستورهای لازم که مقدمه اساسی شکل گیری جامعه یادگیری است صادر شده است ایرانیان برای جستجوی روش ها و دستورالعمل های لازم باید آنها را جستجو و روش هایی را استخراج کنند و سپس آن ها را با وسایل کمک آموزشی اینترنت ارتباطات دیجیتالی و غیره متناسب، ساخته آن ها را مدل سازی کنند.

ه) ویژگی ها در بعد اقتصادی

مهمترین ویژگی جامعه یادگیری در بعد اقتصادی، این است که در این جامعه آگاهی و دانش سرمایه است. جامعه ای است که در آن از میان منابع قدرت، شامل زور فیزیکی، دانش و ثروت، اصلی ترین منبع قدرت، دانش است، زیرا آگاهی به فرد در کسب در آمد کمک می کند و موجب رشد اقتصادی جامعه می شود. علاوه براین، آگاهی موجب منزلت اجتماعی و انسجام و افزایش سطح توسعه اجتماعی می گردد. در نتیجه، در این جامعه درصد بالایی از تولیدات از جنس دانش است به دلیل اینکه می تواند افراد را از سطح پایین آگاهی به سطوح بالا انتقال دهد. به عبارت دیگر، این جامعه می تواند افرادی پرورش دهد که قادرند از سطح داده به اطلاعات و از اطلاعات به علم عبور کنند. سپس از علم به خردمندی و حکمت برسند. در نتیجه می توانند از مجموعه دانش تولید شده ای که در اختیارشان قرار دارد در جهت بهبود معیشت و افزایش رفاه و سعادت کلی خودشان و جامعه استفاده نمایند بر اساس تئوری اقتصاد آموزش و پرورش، بازده سرمایه گذاری در آموزش و پرورش هم فردی و هم اجتماعی است. در نتیجه، جامعه یادگیری، در زیر ساخت ها سرمایه گذاری می کند، زیرا اگر جامعه جایی باشد که در آن، هر کسی، در هر سطحی، در هر زمانی به دانش و اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشد افراد و جامعه هر دو از بازده های آن بهره مند می شوند، البته جامعه یادگیری به بازده های اقتصادی سرمایه گذاری در توسعه فرصت های یادگیری نیز توجه دارد، واقعیت این است که امروزه مشاغل به سرعت تغییر می کنند در نتیجه بسیاری از آموزش های شغلی که در مؤسسات آموزشی به دانش آموزان و دانشجویان داده می شود تا زمانی که می خواهند وارد بازار کار شوند منسوخ شده است. در این صورت افراد در زندگی شغلی شان به بازآموزی و به روز کردن دانش و مهارتشان نیاز دارند.

سؤال سوم: راهکارهای تحقق جامعه یادگیری در ایران

با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور و مقایسه آن با ویژگی های جامعه یادگیری هم اکنون در ایران بسترها و فرآیندهای لازم برای آن به طور کامل فراهم نیست و جامعه با برخی از موانع روبه روست. از جمله موانع موجود، سنتی بودن و عدم باوری در میان همه اقشار نگاه سیاست گذاران کلان به مسأله دانش رنگ باختن انگیزه یادگیری بی توجهی به آموزه های دین اسلام و مشکلات موجود در نظام آموزشی است. برای رفع این موانع و موفقیت در جهت بسترسازی برای جامعه یادگیری انجام موارد زیر را لازم دانستند:

۱- ایجاد و توسعه فرهنگ یادگیری

اگر بخواهیم جامعه یادگیری تحقق پیدا کند یکی از مهمترین عوامل لازم فرهنگ سازی است تا اولاً افراد بپذیرند که یادگیری فقط در دانشگاه مدرسه یا محل مشخصی که به آن ها آموزش می دهد، اتفاق نمی افتد باید این نگرش تقویت شود که در سراسر دوران زندگی یاد می گیریم، همه جا محل یادگیری است و هر لحظه باید یاد بگیریم، اما مسأله مهمتر از این درک و احساس نیاز به یادگیری است. جامعه ما باید به جای این تفکر که کجا به ما مدرک می دهد کجا به ما امتیاز می دهد به نیاز به یادگیری بیندیشد. به همین دلیل نیاز به فرهنگ سازی وجود دارد. علاوه براین لازم است برنامه ریزی بلند مدت انجام گیرد تا آن را به مقاطع کوتاه تر تبدیل و آن ها را اجرا نماییم. بنابراین برای تحقق این جامعه به عنوان یک زیر ساخت لازم است آموزش عالی را توسعه دهیم و اصلاح کنیم. از طریق رسانه ها، اینترنت و غیره فرهنگ سازی کنیم قوانین و مقررات را هم اصلاح نماییم. همه این ها باید همزمان با یکدیگر اجرا شود.

۲- توسعه کمی و کیفی آموزش عالی

جامعه یادگیری، از نظر فرصت های کسب معرفت و یادگیری به اندازه کافی متنوع است. بنابراین، آموزش باید از انحصار آموزش دولتی خارج شود و فرصت های آموزش غیر دولتی در آموزش عالی گسترش پیدا کند، تذکر می دهد «برای یادگیری یک سری از توانایی های مهارتی و نگرش ها مثل یادگیری چگونه آموختن، خود رهبری و غیره باید در فرد رشد

دوین کتفرسلی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



کند. وقتی که این قابلیت‌ها در افراد پرورش داده شد، ما می‌توانیم به جامعه یادگیری برسیم. بنابراین، آموزش عالی باید این مهارت‌ها و نگرش‌ها را در دانشجویان پرورش دهد»

۳- استفاده از مدل‌های ارائه شده در سایر کشورها

در کنار این‌که ما مدلی را بر اساس ارزش‌ها فرهنگ و دانش خودمان طراحی می‌کنیم باید از دانشی که جهان در این زمینه تولید کرده استفاده کنیم کشورهایی مثل آمریکا، کره و ژاپن درباره اینکه توسعه چگونه تحقق پیدا می‌کند مدل‌های مختلفی ارائه کرده‌اند و ما باید در مطالعه مان درباره این موضوع به مدل‌های دیگر هم نگاه کنیم البته در این راستا لازم است اول تصویر درستی از وضع موجود کشور داشته باشیم و بشناسیم کجا هستیم، آن وقت راحت‌تر می‌توانیم راه مان را برای آینده مشخص کنیم ما نمی‌توانیم از تجارب، دیگران عیناً استفاده کنیم زیرا شرایط ما با آنها متفاوت است. در مجموع تحقق جامعه یادگیری در ایران امکان‌پذیر است اما این کار به تلاش همه مسئولان نهادها و افراد جامعه نیاز دارد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مروری بر آثار مربوط به آرمان شهر نشان می‌دهد طرح جامعه‌ای که در آن فرصت‌های یادگیری برای همه افراد بدون محدودیت زمانی و مکانی فراهم است و همه افراد می‌توانند و می‌خواهند به یادگیری ادامه دهند ایده جدیدی نیست، اما از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با ظهور آثار و پیامدهای جهانی شدن بر حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سیاسی انسان‌ها موجب شد تا ایده «جامعه یادگیری به عنوان اولین گام برای رسیدن به توسعه مبتنی بر دانش توجه بسیاری از دولت‌ها و صاحبان اندیشه را به خود جلب کند در حوزه نظر، صاحب‌نظران دیدگاه‌ها و مدل‌های نظری مفهومی را برای این نوع جامعه ارائه کرده‌اند در حوزه عمل دولت‌ها برای تحقق آن بیانی‌های خط‌مشی تهیه کرده و نوآوری‌هایی انجام داده‌اند. مرور این دو حوزه نشان می‌دهد الزام‌های اقتصاد دانش محور باعث شده هدف اساسی دولت‌ها از حمایت از جامعه یادگیری و یادگیری مادام‌العمر، توسعه اقتصادی و فواید شغلی و مالی آن برای فرد و جامعه باشد. از این رو، ابتدا در صدد ایجاد جامعه تحصیل کرده بر آمدند، اما بعد به سمت جامعه بازار یادگیری و جامعه شبکه یادگیری تغییر جهت دادند تشدید نابرابری‌ها، بحران هویت و سایر آثار منفی این گرایش موجب شده تا صاحب‌نظران اعلام دارند اگر چه هر جامعه‌ای به شایستگی برای استخدام و توسعه اقتصادی نیاز دارد، ولی باید از هر گونه افراط و تفریط خودداری کرد. اکثر آنها خواستار تعدیل اهداف سه‌گانه یادگیری توسعه فردی، توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی در طراحی مدل جامعه یادگیری شده‌اند امروزه این پیشنهاد پذیرفته شده که هر مدلی جامعه یادگیری متناسب با شرایط خود را طراحی و برای تحقق آن تلاش کند. بدیهی است این مدل جدید می‌تواند به مجموعه مدل‌های موجود اضافه شده و دیدگاه جدیدی از جامعه یادگیری مطرح کند. با ورود به هزاره سوم می‌توان گفت عواملی که جهان را به سوی جامعه یادگیری واداشته، به تدریج جامعه ایرانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از این رو، کشور ما نیز مانند بسیاری از کشورها مسیر توسعه خود را توسعه مبتنی بر دانش انتخاب کرده است. در این کشور، اعضای جامعه نه تنها به دلیل نیاز فطری و الزام‌های ناشی از رشد دانش و فناوری، بلکه به دلیل زیستن در عصر دانش باید برای آنکه بتوانند در فرآیند تولید، انتقال توزیع و به کارگیری دانش مشارکت فعال داشته باشند همواره دانش و مهارت‌های خود را به روز نگه دارند. به عبارت دیگر برای مواجهه منطقی با چالش‌های رو در روی خود باید به جامعه‌ای تبدیل شوند که یادگیری در سراسر دوران زندگی محور اصلی فعالیت‌های آن است آنان باید رهتوشه خود را برای پیمودن این مسیر از مبانی فلسفی دین اسلام بگیرند. مهم‌ترین پیام این دین برای انسان (اقرأ) خواندن است و از انسان‌ها خواسته از گهواره تا گور یاد بگیرند. از نظر اسلام انسان و جامعه دارای حقوق و وظایف متقابلند. بنابراین، بر هر فرد مسلمان بر اساس حدیث طلب العلم فریضه‌علنی کل مسلم و مسلمه یادگیری در هر زمان و مکان و در هر سن یک وظیفه به شمار می‌آید و از سوی جامعه باید حق تلقی شده با فراهم کردن فرصت امکان انجام این وظیفه را فراهم نماید. هدف نهایی هر دو آن‌ها رسیدن به کمال یعنی بندگی خداوند است. بنابراین، جامعه یادگیری ایرانی جامعه‌ای است که از میان اهداف سه‌گانه یادگیری توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه فردی به نتایج یادگیری در قلمرو زندگی فردی و اجتماعی نگاهی تلفیقی دارد. از این رو، محلی است که در آن افراد در سراسر دوران زندگی برای دستیابی به نتایج مورد علاقه خود یاد می‌گیرند و به گسترش توانمندی‌های خود می‌پردازند، اما در محیطی جمعی، شیوه‌اندیشیدن پرورش داده می‌شود. در آن افراد می‌توانند تمایلات فردی را آزادانه بیان کنند و آن را با دیگران در میان گذارند تا به بینش مشترکی دست یابند. بدیهی است تأکید بر نتایج فردی و اجتماعی به معنای نادیده گرفتن نتایج اقتصادی یادگیری نیست. مهم‌ترین ویژگی این جامعه دانش بنیان بودن اقتصاد آن است؛ به این دلیل که افرادی پرورش می‌دهد که قادرند از مرحله تبدیل داده به اطلاعات و از اطلاعات به دانش عبور کرده و به مرحله خردمندی و حکمت برسند. در نتیجه می‌توانند از مجموعه دانش تولید شده‌ای که در اختیارشان قرار دارد در جهت بهبود معیشت و افزایش رفاه و سعادت کلی خودشان و جامعه استفاده کنند. به علاوه، جامعه یادگیری به این واقعیت توجه دارد که نیاز به شغل نیازی طبیعی است. امروزه دانش و مهارت‌های شغلی به سرعت تغییر می‌کنند و افراد در زندگی شغلی‌شان به بازآموزی و به روز کردن دانش و مهارت خود نیاز دارند.

در مجموع جامعه یادگیری ایرانی جامعه‌ای است که به اهداف سه‌گانه یادگیری در سراسر دوران زندگی نگاهی متعادل دارد این، جامعه‌ای است که در آن هدف، یادگیری برای یادگیری نیست، بلکه در آن، فرصت‌های یادگیری در سراسر دوران زندگی فراهم می‌شود تا هر فرد خود انگیزه، برای هدفی متعالی دنبال یادگیری برود. او برای دستیابی به به نتایج مورد



علاقه خود به یادگیری می پردازد تا خود و جامعه اش را به کمال برساند به عبارت دیگر بتواند واقعاً در جامعه اثر گذار بوده در توسعه آن مشارکت کند. افرادی با این توانایی و احساس تعهد در فعالیت های اقتصادی مشارکت فعال دارند تا علاوه بر ارتقای زندگی فردی، در توسعه اقتصادی جامعه سهیم شوند بر اساس این مفهوم جامعه یادگیری ایرانی جامعه ای با ویژگی هایی مندرج در جدول (۱) است.

جدول (۱) ویژگی ها و شاخص های جامعه یادگیری ایرانی

شاخص ها	ویژگی ها
<ul style="list-style-type: none"> این جامعه به حق آموزش توجه دارد و فرصتهای برابر یادگیری را توسعه میدهد تا هر کس متناسب با توانایی های خود از آن بهره مند شود و عدالت اجتماعی برقرار گردد. جامعه یادگیری ایرانی از عقلانیت جمعی حمایت میکند و نقد کننده و نقد پذیر است. در آن شهروندی فعال در سطح ملی و جهانی تشویق میشود. این جامعه حتی از مرحله عقلانیت جمعی فراتر رفته و به انسجام در هدف نهایی؛ یعنی تعبد و بندگی خداوند دست یافته است. فرصتهای یادگیری را فراهم میکند تا افراد احساس کنند به حق یادگیری و آموزش رسیده اند. با روشهای مختلف انگیزه یادگیری آنها تقویت می شود. برای آنکه بتوانند مسئولیت انتخاب های خود را بر عهده بگیرند توانایی خود رهبری در یادگیری و یادگرفتن چگونه یاد گرفتن در آنها پرورش داده میشود. میان بخشهای مختلف آموزش رسمی از پیش از دبستان تا پس از تحصیلات تکمیلی ارتباط درونی وجود دارد. این جامعه آموزشهای غیر رسمی را متناسب با نیازهای همه اقشار اشاعه میدهد. راهکارهای مناسبی برای به حساب آوردن یادگیری اتفاقی و توسعه آن به کار می گیرد. علاوه بر توسعه گمی به توسعه کیفی فرصتهای یادگیری نیز توجه داشته، در صدد است تا کیفیت روشها و فنون یادگیری را نیز ارتقا دهد. جامعه یادگیری در ایران از توانایی های بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسعه شبکه های یادگیری ملی و جهانی استفاده می کند. با استفاده از اصول و تعالیم اسلام و با جستجوی در آنها روشها و دستورالعملهای خود را استخراج می کند و متناسب با شرایط کنونی جامعه علم و 	<p>ویژگی های اجتماعی</p> <p>ویژگی های فردی</p> <p>ویژگی های آموزشی</p> <p>ویژگی های فرهنگی</p>



دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

فناوری در حد اعلی به کار می گیرد.

- فرصتهای یادگیری را در همه جا و هر زمان فراهم میکند تا افراد بتوانند با به روز نگه داشتن دانش و مهارتهای خود زندگی فردی شان را تأمین کنند.
- نیروی انسانی ماهر برای توسعه اقتصادی فراهم گردد.

ویژگیهای اقتصادی

مقایسه این مدل با مدل‌های ارائه شده در جهان نشان می دهد جامعه یادگیری ایرانی نیز جامعه‌ای انسانگراست که مبانی فلسفی خود را از دین اسلام می گیرد و از این جهت با مدل، های غربی متفاوت است. شایان ذکر است که با توجه به شرایط فرهنگی اجتماعی و آموزشی فعلی کشور، زمینه تحقق این جامعه یادگیری در حد مطلوب فراهم نیست و با موانعی مانند عدم علم باوری در میان همه اقشار، رنگ باختن انگیزه یادگیری، بی توجهی به آموزه های دین اسلام و مشکلات موجود در نظام آموزشی روبه روست. بنابر این تحقق آن نیازمند تلاشی جدی و انجام کارهایی از جمله موارد زیر است:

۱ - مهمترین کاری که برای تحقق جامعه یادگیری لازم است رواج فرهنگ یادگیری است تا افراد به لزوم تداوم یادگیری در سراسر دوران زندگی خود پی ببرند. دولت، سیاستگذاران، کارفرمایان، رسانه ها، مسئولان آموزش و پرورش و آموزش عالی و همه افراد متولی آموزش باید در بسیجی همگانی برای رواج فرهنگ یادگیری شرکت کنند تا افراد در یابند در دنیای در حال تغییری که اکنون به سر می‌برند باید همواره در حال یادگیری باشند تا بتوانند به زندگی انسانی خود ادامه دهند. باید توجه داشت این فرهنگ قابل تحمیل کردن نیست، بلکه باید از درون انسان‌ها سرچشمه گیرد. به همین دلیل اتخاذ سیاست‌های تشویقی مانند برگزاری روز یا هفته یادگیری و تشویق افراد موفق در حوزه یادگیری رسمی یا غیر رسمی و اتفاقی و طرح مباحثی مثل «شهر یا محله یادگیری» می تواند مؤثر باشد.

۲-تحقق جامعه یادگیری مستلزم داشتن نگاهی سیستمی است. این دیدگاه مبین آن است که تمام بخش های متولی امر آموزش در جامعه، باید برای زمینه سازی شکل گیری ،آن با هم همکاری نمایند. برای این هدف لازم است کمیته ای متشکل از مجموعه ای از متخصصان محققان اعضای هیأت علمی و نمایندگان تمامی بخش‌ها تشکیل شده و به تدوین بیانیه خط مشی بر اساس چشم اندازی از جامعه یادگیری ایرانی بپردازد تا مبنایی برای تصمیم گیری‌های مربوط به توسعه کمی و کیفی فرصت‌های یادگیری در جامعه قرار گیرد و تمام فعالیت ها درون این چارچوب سازماندهی و برنامه ریزی شوند.

۳-لازم است این کمیته با انجام فراخوان عمومی دیدگاه ها را جمع آوری نماید. همچنین، منابع اسلامی اعم از قرآن کریم نهج البلاغه و تاریخ صدر اسلام را مطالعه و ایده ها و راهکارهای مناسب برای اشاعه فرهنگ یادگیری و توسعه فرصت های یادگیری را استخراج کند کار دیگر این کمیته انجام پژوهش‌های وسیع تطبیقی و بررسی نقادانه مجموعه تجربیات موجود درباره ایده‌های یادگیری مادام العمر و جامعه یادگیری در سطح جهان است تا با جمع بندی مجموعه اطلاعات، تدوین مدل که در این پژوهش آغاز شده است، تکمیل نماید. با توجه به این که تحقق جامعه یادگیری فرآیندی زمان بر و طولانی است و تحقق آن باید در یک چشم انداز بلند مدت دنبال شود وظیفه سوم این کمیته تهیه چشم انداز بلند مدت است تا در قالب نیازها و اولویت‌ها به میان مدت و کوتاه مدت تقسیم و برای آن‌ها برنامه اجرایی تدوین و سپس اجرا شود.

۴-لازم است نظامی وسیع و فراگیر از فرصت های یادگیری رسمی و غیر رسمی و اتفاقی یا لحظه ای به وجود آید در این نظام آموزش رسمی، به ویژه آموزش عالی باید نقش مهمی داشته و وزارتخانه های مربوط به آن در تعاملی مؤثر برای توسعه فرصت های یادگیری عالی تلاش کنند علاوه بر این توسعه یادگیری غیر رسمی از طریق کتابخانه ها موزه ها، آموزشگاه ها و سایر مؤسساتی که میتوانند در این زمینه فعالیت کنند پی گیری شده و با راهکارهایی مانند اعطای گواهینامه یا مدرک ارزش و اعتبار آنها تضمین گردد. لازم است از طریق رسانه ها و سایر وسایل اطلاع رسانی، توجه افراد به یادگیری هایی که در زندگی روزمره انجام می شود، جلب و تمایل و توجه بیشتر به آن تشویق شود.

۵-تجربه های جهانی نشان می‌دهد برای ایجاد جامعه یادگیری، تنها توسعه کمی فرصت های یادگیری کافی نیست بلکه مهمتر از آن حفظ و ارتقای کیفی این فرصت هاست تا انگیزه یادگیری را در شرکت کنندگان تقویت کند و یادگیرندگان مادام العمری پرورش یابند و بتوانند از فرصت‌های موجود استفاده کنند. بی شک نظام آموزش عالی و دانشگاه در این خصوص نقش بسزایی دارد به همین دلیل لازم است دانشجویان و اعضای هیأت علمی در تمام رشته ها، به ویژه رشته های جامعه شناسی، علوم تربیتی و علوم اقتصادی مجموعه وسیعی از پژوهش‌های بنیادی و کاربردی را درباره مفاهیم یادگیری مادام العمر و جامعه یادگیری و دلالت های آنها برای آموزش به طور عام و آموزش دانشگاهی به طور خاص انجام دهند.

با توجه به این که توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات فرصت مناسبی فراهم کرده است تا از آن برای ایجاد و توسعه شبکه های یادگیری محلی، ملی و جهانی استفاده شود لازم است وزارتخانه های آموزش و پرورش آموزش عالی و



سایر مؤسسات متولی آموزش با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران و سایر مؤسسات مربوطه راههای توسعه شبکه یادگیری در کشور را بررسی و خط مشی های لازم را تهیه نمایند.

منابع

- دهخدا (۱۳۳۴-۱۲۵۸). لغتنامه زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- یونسکو (۱۳۷۶). یادگیری گنج درون، ترجمه: همکاری های علمی بین المللی وزارت آموزش و پرورش. تهران: تزکیه.
- سیلور، جی گالن؛ الکساندر، ویلیام ام؛ لونیس، آرتور جی (۱۳۷۷). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، ترجمه غلامرضا خوی نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شعاری نژاد، علی اکبر (1380). نگاهی نو به روان شناسی آموختن. چاپخش. تهران.
- وکیلان، منوچهر (1381) تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران. دانشگاه پیام نور، تهران.
- سنگه، پیتر (1382) پنجمین فرمان، ترجمه‌ی حافظ کمال هدایت و محمد روشن. سازمان مدیریت صنعتی. تهران.
- گال، مردیت؛ بورگ، والت و گال، جویس (۱۳۸۳). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی، ترجمه: دکتر احمدرضا نصر و همکاران، تهران: سمت و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- رست، صادق و خسروانی، فرزانه (۱۳۸۵). «آموزش عالی مبتنی بر توسعه دانایی محور»، مندرج در مجموعه مقالات منتخب دومین همایش ملی توسعه دانایی محور، بوشهر: انتشارات دانشگاه خلیج فارس.
- بانک جهانی (۱۳۸۷). یادگیری مادام العمر در اقتصاد دانش محور ترجمه: مصطفی عماد زاده و فریماه کساییان، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- اصلانی، ابراهیم (1388). مدرسه‌ی بدون رقابت، نشر دوران. تهران.
- مسعودی، حسن (۱۳۹۰). مدینه فاضله مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اسلامی: کتابخانه دیجیتال.
- کریمی، صدیقه؛ نصر، احمدرضا و شریف، مصطفی (۱۳۹۱). مفهوم و مدل جامعه یادگیری در کشور ایران. جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۵۰)، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲.
- حسین پورطولازدهی، شهره؛ زین آبادی، حسن رضا؛ عبدالهی، بیژن و عباسیان، حسین (۱۳۹۶). مدرسه به عنوان جامعه یادگیرنده حرفه‌ای پژوهش محور (یک پژوهش پدیدار نگارانه). فصلنامه نوآوری های آموزشی.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن و جعفری هرندی، رضا (1397). تحلیل جایگاه مؤلفه های اساسی آموزش شهروندی در محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. پژوهش های آموزش و یادگیری، ۱۵ (۱)، ۶۷-۷۸.
- احمدی، پروین؛ نراقی زاده، افسانه و کشاورز دیزجینی، سما (۱۳۹۹). سیر تحول مفهوم شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. فصلنامه تعلیم و تربیت.

Unesco. (1972) Learning to be: The world of education today and tomorrow. New York: Unesco.

Edwards, R. (1997) Changing Places?. London; Routledge.

Coffield, F. (1998) Learning at work: The learning society. UK: The Policy Press.

Ranson, S. (1998) Toward a learning society. New York: Cassell.

Smith, J. and Spurling, A. (1999) Lifelong learning: Riding the Tiger. London and New York; Cassell.

Strain, M. (2000) "Schools in a learning society: New purposes and modalities of learning in late modern society". Educational Management Administration and Leadership, 28 (281). 280-298.

Schuetze, H. G. and Slowey, M. (2000) Higher education and lifelong learners: International perspectives on change. London and New York: Routledge Flamer.

Holford, J. and Jarvis, p. (2000) The learning society. In: Handbook of adult and Continuing. San Francisco: Jossey Bass, 643-650.

Knapper, Ch. and Cropley, A. (2000) Lifelong learning in higher education. London: Kogan Page.

Boshier, R. (2000) "Running to Win: The Contest between Lifelong Learning and Education in Canada". The Journal of Newzealand University (3), 5-12.

Matheson, C. and Matheson, D. (2000) Educational issues in the learning age. London and New York: Cotinum Wellington House.

Wilkins, R. (2000) "Leading the learning society; The role of local education asthoristies Educational Management Administration Leadership, 28(339). 340-352.

Tuijnman, A. (2002) "Themes and Questions for a Research Agenda on Lifelong Learning". In: Supporting lifelong learning. 6-29. tschon.htm.

Ahmed, M. (2002) Lifelong learning and the learning society. In: Institutionalising lifelong learning. Unesco Institute for Educaion; 22-47.

Edwards, R. Miller, N. Small, N. and Tait, A. (2002) Supporting lifelong learning. London and New York: The Open University.



- Ouane, A. (2002) Key competencies for lifelong learning. In: Institutionalising lifelong learning. Unesco Institute for Education. 311-325.
- Cohen, J. and Leicester, M. (2003) The evolution of the learning society. In: Lifelong learning: Education across the lifespan, 56-72.
- Hyland, T. (2003) Learning, work and community: Vocational studies and social values in the learning age. In: Lifelong learning: Education across the lifespan. London and New York: Routledge Flamer.
- Filed, J. (2004) Lifelong learning and cultural change: A European perspective. Taiwan: National Chung-Cheng University.
- Tuomi, I. (2005) The future of learning in the knowledge society: Disruptive change for Europe by 2020.
- Bierema, L. (2006) Lifelong learning. www.sage-reference.com.
- Morgan, B. Osborne, K. and Osborne, M. (2007) The concepts and practices of lifelong learning. London and New York: Routledge.
- Jarvis, P. (2008) Globalization, lifelong learning and the learning society. London and New York: Rotledge.
- Peters, O. (2009) The contribution of open and distance education to lifelong learning. In: The Routledge International Handbook of lifelong learning.
- Murphy, F. (2010) Notions of learning society and learning partnership vehicles: The Islands Project- case study. Dublin Institute of Technology.